

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۰۵ / سال دهم / آبان ماه ۱۴۰۰ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



محمدحسین یغما در افتخارات کارگریش زنده است!



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۰۵ / سال دهم / آبان ۱۴۰۰ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.



در این شماره می خوانید:

اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی ص ۴

مصاحبه مازیار کیلانی نژاد با خبرگزاری ایلنا ص ۲۱

مسئولان ایمنی کارگاه ها چه می کنند؟ ص ۲۴

آرام به خواب رفیق! ص ۲۵

دفاع از حقوق کارگران پروژه ای ص ۲۶

اخبار بازنشستگان ص ۲۷

نابودی سازمان تامین اجتماعی ص ۳۵

مردی برای تمام فصول! ص ۳۶

حاشیه نشینی یعنی فقر ص ۳۸

دروغ بر زبان کشورم ص ۴۰

معلمان قلب تپنده بازیابی آموزش ص ۴۱

وقتی قصاب گریه می کند! ص ۴۲

خرمن گاه عشق ص ۴۶

گورخوابی، چاله خوابی، نهر خوابی، ص ۴۸

پیاموزیم! ص ۴۹

معرفی کتاب ص ۵۰

ادبیات و رام کردن توفان ابتذال ص ۵۲

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

مراجعه کنید

دست دراز خشونت، کوتاه باد!

روز دوشنبه ۱۲ مهرماه، در جریان ادامه اعتراض خانواده های کارگران معادن زغال سنگ زرند کرمان (که خواستار همسان سازی حقوق و مزایا، پرداخت به موقع حق بیمه و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و ترمیم دستمزدهای حقیرانه بودند) عوامل انتظامی با ماشین آب پاش به خانواده های کارگری حمله کردند. در نتیجه این برخورد چند نفر از جمله یک زن و یک کودک (از خانواده های کارگران) دچار مصدومیت شده اند. هزار کارگر این معادن در شرایط بدی زندگی و کار می کنند.

این در حالی است که کنشگران فرهنگی از جمله عزیز قاسم زاده نیز به دلیل اعتراض و سازماندهی اعتراضات آموزگاران دستگیر و روانه زندان می شوند. همزمان با روز جهانی معلم محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران مجدداً از آموزش و پرورش اخراج می گردد. کنشگران کرد دستگیر می شوند بدون آنکه گفته شود اتهام شان چیست؟! اوکیل قهرمان فرزانه زیلابی حکم حبس و شلاق می گیرد. به جای رسیدگی به اظهارات سپیده قلیان در مورد وضعیت زندان زنان و زنان زندانی، او و دیگر بانوی هم بندش مورد مجازات قرار می گیرند. کنشگران بازنشستگان با تهدید عوامل پلیس سیاسی برای برگزار نکردن تجمعات یکشنبه های اعتراضی، روبرو می شوند. تظاهرات کارگران هفت تپه ای به دلیل تعلل مسوولین قضایی و تعیین تکلیف نکردن این کارخانه باعث غارت و صدمه به شرکت از سوی سودجویان و عقب افتادن حقوق کارگران و روند نابودی شرکت شده است.

مسوولین مثل اینکه در این کشور زندگی نمی کنند و نمی دانند که در همین روزگار آمدن دولت جدید قیمت دلار به ۳۰ هزار تومان و قیمت مواد غذایی باز هم افزایش یافته است، در حالی که حقوق کارگران، کارمندان، بازنشستگان همچنان از اول سال تاکنون ثابت است.

۲۰۰۰ کارگر پروژه ای نامه ای خطاب به آقایان قالیباف رییس مجلس و آقای روح الامینی نماینده تهران در مورد رعایت نشدن قانون توسط پیمانکاران نوشته

اند اما پاسخی دریافت نکرده اند. با وجود اینکه کارفرمایان هرگونه ستم و دور زدن قانونی را انجام می دهند اما نظارتی بر ایشان نیست و مواخذه نمی شوند.

باز هم به مسوولین متذکر می‌شویم : اصل ۲۷ قانون اساسی این حق را به همه آحاد ملت داده است که تجمع و اعتراض بر علیه نابرابری و زورگویی انجام دهند. عبارت سوم اصل ۲۷ تاکید کرده است که تجمع «به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است». این تجمعات نه تنها مخل به مبانی اسلام نیست بلکه زحمتکشان تحقق یکی از ۵ اصل از اصول دین را که «عدل» است، را خواستارند.

دست دراز بی قانونی کوتاه باید شود! مسوولین بدانند تا زمانی که معیشت مردم هر روز بدتر می شود اعتراضات نه تنها کمتر نخواهد شد بلکه افزایش خواهد یافت.

ما ضمن محکوم کردن حمله به خانواده های معدنچیان و اعلام حمایت از تجمعات بر حق کارگران، بازنشستگان، خواستار رعایت حقوق انسانی و قانونی خود هستیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

بازنشستگان فلزکار مکانیک

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی

۱۵ مهرماه ۱۴۰۰



محمدحسین خوان یغما در افتخارات کارگریش زنده است!

به گزارش خبرنگار پیام سنديکا، روز پنجشنبه ۶ آبان به مناسبت چهلمین روز ابدی شدن محمد حسین خوان یغما و به دعوت سنديکای کارگران فلزکارمکانیک ایران جمعی از یاران، خانواده و اعضای سنديکا بر مزار این کارگر سخت کوش گرد آمدند. ابتدا داود محمدی فر از یاران قدیمی خوان یغما در مورد سجایای اخلاقی ایشان سخن گفت و یکی از دوستان سروده ای از خوان یغما را خواند. سپس محسن عبدلی از پیشکسوتان گروه کوهنوردان فلزکار در مورد این مرد بزرگ و اندیشه هایش و دیگر جانباختگان سنديکای کارگران فلزکارمکانیک از جمله هدایت اله معلم، ناصر گارسچی، جلیل انفرادی، اسکندر صادقی نژاد سخنرانی کرد. سپس مازیار گیلانی نژاد مسوول سنديکای کارگران فلزکارمکانیک در مورد تلاش های زنده یاد خوان یغما چه در مجله پیام سنديکا و چه مشورت هایی که به سنديکا در جهت مسایل راهبردی می داد، صحبت کرده و شعر مورد علاقه ایشان « دنیای وانفسا» را دکلمه کرد. کامبیز بختیاری کوهنورد تلاشگر از تلاش های خوان یغما در جهت هرچه بهتر شدن ورزش کوهنوردی گفت. سپس دکتر هاشمی از آخرین روزهای خوان یغما گفت و شعر سروده خود را در کنار آرامگاه ابدی او خواند. آقای مهرداد خوان یغما نیز از همه حضار سپاسگزاری کرده و جمع با فرستادن درود های پی درپی مراسم را خاتمه دادند.

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



خبرهایی از اعتصاب کارگران پروژه ای

۱- نه به بی قانونی و گرسنگی! (۱۰۳)

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۳ آبان ۱۳۰ روز از آغاز کمپین ۱۰/۲۰ می گذرد. در این ۱۳۰ روز توانستیم فریاد دادخواهی خود را به همه مسوولین شرکت نفت و وزارت کار برسانیم. در همین راستا امروز مازیارگیلانی نژاد نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای طبق قرار قبلی به دیدار مسوولین شرکت نفت رفت تا اسناد تخلفات پیمانکاران را ارایه کند. در این دیدار لیست ۱۰ شرکت پیمانکاری خلافکار که حقوق کارگران را با تاخیر می دهند و همچنین اسناد ۲۳ مورد تخلف بیمه ای در حق کارگران پروژه ای که مغایرت بیمه ای با عنوان شغلی را دارا بود و یک مورد تخلف خوابگاهی تحویل این مقام مسوول گردید. مقرر شد هفته دیگر نتایج بررسی این اسناد به نماینده کارگران پروژه ای اعلام شود. امیدواریم که مسوولین همراهی کرده و پیمانکاران متخلف را از پروژه های نفت و گاز بیرون کنند.

امروز با خبر شدیم که کارگران پتروشیمی هنگام شرکت پتروکیان کمکی ها و تک زن ها بخاطر رعایت نشدن شرایط کمپین از جمله حقوق و مرخصی دست

به اعتصاب زدند. در این شرکت حقوق کمکی ۷ میلیون و نیم با ۲۲ روز مرخصی برایشان منظور شده است. برای این دوستان پیروزی را آرزو مندیم.

طبق خبرهای که دوستان در پروژه فراسکو شرکت در ریز ارسال کرده اند با خبر شدیم آقای جاسم فرامرزی که از اولین پیمانکاران حامی کمپین بود متأسفانه گول پیمانکارانی چون محمدی، کیوانی و آذرکمان را خورده و قراردادهای یک‌ماهه را اصلاح و حقوق کارگران را کاهش داده است و از همه بدتر اینکه جمعه کاری را به صورت نصف روز برای نیروها محاسبه می‌کند. آقای فرامرزی بداند که اگر به تخلفاتش ادامه دهد مورد تحریم کارگری قرار خواهد گرفت. خبر دیگر اینکه مسوول کارگاه سکاف آبادان مورد گلوله باران افراد ناشناسی قرار گرفته و زخمی گردیده است. امیدواریم پس از بهبودی حقوق کارگران را رعایت کند.

دوستان کارگر، کمپین ادامه دارد و کارگران حامی کمپین به تلاش های خود برای محو کامل تخلفات پیمانکاران و در مرحله بعد حذف پیمانکاران از پروژه های نفت و گاز، ادامه خواهد داد. هر افزایش یک ریالی و هر یک روز اضافه مرخصی نسبت به گذشته، دستاورد اتحادمان بوده است. ما از قدرت خود باخبر شدیم و رمز پیروزی را در اتحاد و همراهی با سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و نماینده مان آقای مازیار گیلانی نژاد می دانیم.

کمپین ۱۰/۲۰ پیروز شده است، کارگر متحد کارگر

۲- کمپین ۱۰/۲۰ پیروز است!

گزارشی از پیگیری نامه های ارسالی به نماینده مجلس آقای متینیان نماینده رامهرمز و رامشیر

با توجه به نامه نگاری هایی که توسط نماینده شما ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای، آقای مازیار گیلانی نژاد، با نماینده مجلس شهر رامهرمز و رامشیر آقای متینیان به شماره ۱۰۶۲۲۵۴ تاریخ ۲۰ تیرماه امسال که ۱۰۰ کارگر رامهرمز امضا

کرده بودند و شماره های ۱۰۹۷۱۶ و ۱۰۹۳۴۲۱ مورخه‌ی ۱۶ و ۱۷ شهریور زمان آمدن نمایندگان شما به تهران، تحویل دفتر نماینده در مجلس شده بود و نامه چهارم به شماره ۱۱۳۴ در تاریخ ۳۰ شهریور به دفتر شهرستان رامهرمز با هدف رسیدگی و پاسخگویی تحویل شده بود، آقای متینیان طی گفتگویی با مسوول پیگیری این نامه‌ها در شهر رامهرمز گفته بود: «ما در قبال رسالت وجودی و اخلاقی که داریم عمل میکنیم و انتظار بیشتری از جایگاه حقوقی شما داریم» آقای متینیان چنین برای کارگران نوشته اند: «اول اینکه بیان این موضوع به عنوان نقد جای تشکر دارد و قطعاً اینجانب به عنوان نماینده مردم باید پاسخگو باشم. دوم اینکه من خود را عضوی از خانواده کارگری می دانم و افتخار هم می کنم. نامه های این عزیزان را خواندم، در نامه این عزیزان موضوعاتی به صورت کلی عنوان شده که در دستور کار اینجانب قرار دارند و رسیدگی به خواسته های کارگران عزیز نیاز به رایزنی با چندین قسمت هست و قطعاً پیگیری می شود. سوم اینکه پدیده «پیمانکار کارگر» همیشه بوده و در خیلی از پروژه ها کارفرمایان و پیمانکاران از موضع برتر به کارگران نگاه می کنند، لذا شاهد تضییع حقوق کارگران هستیم و برای همین در حال بررسی طرحی در مجلس هستیم که بتوانیم حقوق کارگران را در پروژه ها احیا کنیم و انشالله این طرح به نتیجه برسد اما در هر صورت تصویب و اجرایی شدن این طرح زمان بر است»

ایشان در ادامه عنوان داشت: «من خود را از طبقه کارگر می دانم و هرگز نسبت به حقوق کارگران بی تفاوت نیستم و حتماً موضوعات کارگران را پیگیری می کنم»

۳- نه به بی قانونی و گرسنگی! (۱۰۰) کمپین ادامه دارد و پیروز است!

امروز ۲۶ مهرماه و در روند پیگیری تخلفات پیمانکاران، جلسه ای با مسوولین شرکت نفت با حضور مازیار گیلانی نژاد نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای انجام شد. در این جلسه نام چند تن از پیمانکاران خلافکار با جزییات به این مسوولین ارائه گردید.

در این رابطه مسوولین وزارت نفت اظهار داشتند: «کلیه کسانی که در پروژه های نفت و گاز مشغول به کار هستند و تاخیر در پرداخت حقوق دارند با ذکر جزییات از جمله نام پروژه به صورت دقیق و نام پیمانکار و شماره تلفنش به همراه نام و شماره تلفن شاکی را جمع آوری و برایمان بیاورید. در ضمن از وضعیت نامناسب رفاهی از قبیل غذا، خوابگاه، سرویس حمل و نقل، سرویس های بهداشتی و حمام اطلاعات لازم را برای آقای گیلانی نژاد بفرستند تا به سرعت به آنها رسیدگی شود»

از دوستان تقاضا داریم همکاری لازم را در این مورد انجام دهند تا بتوانیم دست پیمانکاران ضد کارگر و سودجو را از پروژه ها کوتاه کنیم.

کارگر متحد کارگر

۱- آیا خبرهای خوب واقعیت دارد؟



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، معاون سرمایه های انسانی و توسعه ذوب آهن اعلام نمود دو خبر خوش برای کارگران ذوب آهنی دارد: «۱- با توجه به تایید طرح طبقه بندی مشاغل از مهرماه افزایش ضریب ریالی حقوق و دستمزد انجام می شود و به جای اینکه یک آیتم در حقوق و دستمزد افزایش یابد، این افزایش به تمام آیتم های حقوق تسری خواهد داشت با توجه به موافقت هیات مدیره و مدیرعامل، این افزایش حقوق از ابتدای سال جاری در نظر گرفته شده و در اولین فرصت ممکن!!! معوقه آن نیز پرداخت خواهد شد. ۲- همکاری که با

عنوان قرارداد کار معین یا قرارداد مستقیم از سال ۱۳۸۸ به جمع همکاران ما پیوستند، همواره پیگیر پذیرش سوابق خارج از شرکت خود بودند تا بتوانند از مزایای آن در ارتقاء حقوق و سایر موارد بهره مند شوند. که با اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مقرر شد ۱۰۰ درصد سوابق مرتبط این همکاران پذیرفته شود»

اول اینکه چرا با اجرای طرح طبقه بندی مشاغل این طرح معوقات سالهایی که این طرح عقب انداخته شده مبلغ ریالی شش به سر سفره کارگران باز گردانده نمی شود؟ دوم اینکه کارگرانی با قرارداد مستقیم باید خوشحال شوند یا مدیریت؟؟؟ چرا که پیمانکارانی نیروی انسانی بیشترن ضربه و ضرر را با نپرداختن حقوق و مزایا و بویژه ۴ درصد سخت و زیان آور به بیمه های تامین اجتماعی، آن را به دوش نوب آهن انداخته و مدیریت نوب آهن باید این دغلبازی را تاوان بدهد. پس هر دو خبر بیشتر مدیران نوب آهن را خوشحال می کند نه کارگران را؟

۲- فقر در کنار ثروت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه نوب آهن رشد ۱۱۲ درصدی در فروش را تجربه کرده و سود قابل ملاحظه ای برده است اما این ثروت به هیچوجه در حقوق های کارگران و صد البته سفره های مردم ایران نمی رود. ۱۰ مهرماه امسال ۱۰ هزار بسته لوازم التحریر به دانش آموزان نیازمند شهرهای لنجان (شهری که بیشترین کارگر نوب آهنی از ۸۰ هزار کارگر مشغول به کار را داراست) زرین شهر و فولاد شهر، داده شد. این در حالی است که سودهای نوب آهن نه به جیب کارگرانش و نه به صندوق سازمان تامین اجتماعی که ۸۰ درصد آن را در تملک دارد و نه مردم ایران می رود. وگرنه شاهد اینگونه خیریه هایی که فقط برای درمان وجدان درد خود این کارها را انجام می دهند، نباید باشیم.

۳- روند اجرای طبقه بندی مشاغل در نوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه بعد از بیش از ده سال اعتراضات کارگران نوب آهنی قرار است طبقه بندی مشاغل در این شرکت اجرا شود اما روند لاک پشتی آن نشان از زمان بر بودن این اجرا دارد. در تاریخ ۱۰ مهر

آرش شفيعی به عنوان مدير پروژه سازماندهی طبقه بندی مشاغل شرکت های تابعه نوب آهن اصفهان منصوب شد. یعنی تا ايشان ستاد خود را برای اجرای این طرح آماده سازی کند حداقل ۲ ماه طول خواهد کشید. با توجه به اینکه طرح طبقه بندی مشاغل آذرماه سال گذشته تايید شد و برای اجرای آن تاکنون فقط مدير پروژه اش منصوب شده کارگران باید صبر ایوب پیشه کنند تا این طرح با این روند لاک پشتی اجرا شود. امید که طرح در روز اجرا مطابق با افزایش گرانی ها مطابقت داشته باشد نه اینکه با قیمت های سال گذشته اجرا شود.

۴- کاغذ بازی بلای معیشت کارگران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پس از ۱۲ سال اعتراضات کارگران نوب آهنی قرار است از ۱۰ مهرماه طبقه بندی مشاغل در این کارخانه اجرایی شود. در تاریخ ۲ آبان ۱۳۸۸ قرارداد تهیه و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در این شرکت آغاز شد و بعد از ۱۲ سال دستور اجرا داده شده است. البته نباید زیاد امیدوار بود که کارگرانی که در حال بازنشستگی هستند شامل این طرح شوند چرا که احتمالاً ۲ سالی طول خواهد کشید که این طبقه بندی شامل کارگران و کارکنان این مجموعه شود. کافی است سرانگشتی حساب کنیم که با طول دادن این طبقه بندی مشاغل چند هزار کارگر از مزایای آن محروم شده و پول این کاغذبازی به جیب چه کسانی رفته است. **حق هزاران کارگر بازنشسته شده و محروم از این طرح چه خواهد شد؟**

۱- کاغذبازی در ایران خودرو تمامی ندارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه مدتهاست موضوع کارگرانی که در استخدام پیمانکاران ناخلف تحت نظارت ایران خودرو در چند سال اخیر بوده اند و تخلفات این پیمانکاران آن چنان زیاد شده است که ایران خودرو برای جمع و جور کردن این پدرسوخته بازی ها، اقدام به استخدام مستقیم این نیروها کرده اما موضوع سختی کار کارگران معضلی است که همچنان کارگران را نگران ساخته است. کارگران پیمانکاری راستین نوین با اینکه یکسال از تاریخ اعلام تايید سختی کارشان می گذرد اما هنوز مدیریت کارخانه هیچ تصمیمی برای این کار

نگرفته است. نگرانی کارگران از آنجا ناشی می شود که بخشی در شرف بازنشسته شدن هستند و تایید این موضوع در دریافتی هایشان پس از بازنشستگی تاثیر فراوانی خواهد گذاشت.

کاغذبازی در ایران خودرو تمامی ندارد و روح و روان کارگران را می آزارد.



۲- شرکت تعاونی ایران خودرو بی خاصیت چون مدیرانش!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه با تبلیغات بسیار بعد از دو سال شرکت تعاونی مصرف ایران خودرو با منصوب شدن مدیرانش آغاز بکار نمود اما در این روزگار گرانی مواد غذایی خریدی از سوی کارگران ایران خودرویی از این تعاونی صورت نمی گیرد. در حال حاضر ۲ سوم قفسه های تعاونی خالی از اجناس بوده و فاقد اقلام لوازم خانگی می باشد. اجازه دادن تعاونی مصرف به اشخاص بی هویت و اجازه ندادن به کارگران برای دخالت در امور این تعاونی از سوی مدیریت شرکت باعث ایجاد این وضع گردیده است. تعاونی که مدیرعامل و هیات مدیره اش نه از طرف کارگران انتخاب شود، بلکه توسط مدیریتی که هیچ شناختی از امر تعاونی مصرف ندارد، جز تبدیل کردن تعاونی مصرف بزرگترین خودروساز کشور به بقالی، عرضه دیگری ندارد.

مطالبات کارگری در مجتمع مس سرچشمه



مطابق گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه، با رسیدن سال به میانه، کماکان وضعیت پرداخت مطالبات کارگری نظم و نظام خاصی پیدا نکرده و برخی شرکت های این بد عهدی را پرسنل خود ادامه می دهند:

- شرکت نیرو و صنعت سرچشمه با تاخیر در پرداخت حقوق پرسنل، از مرداد ماه تاکنون موفق به پرداخت حقوق نشده است؛ قابل ذکر است که این شرکت در ترفندی جدید، پرداخت معوقه های کارگری و ستادی را دوگانه کرده و حقوق کارگران را یک ماه جلوتر از نفرات ستادی خود پرداخت می کند و مشاهده ی این تبعیض شغلی از نفس معوقه های این شرکت، با معنا تر است.

- شرکت پارسیان نیز از مرداد ماه سال جاری، حقوق و مزایای پرسنل را پرداخت نکرده و هیچ وضعیت روشنی برای پرداخت معوقات خود ندارد و ظاهراً مصائب مالی پروژه ادامه دارد.

- شرکت فولمن در انتهای قرارداد خود، ضمن معوقه های پرداختی، نسبت به بیمه ی نفرات خود اقدام نمی نماید.

- شرکت متبا نیز از مرداد ماه موفق به پرداخت حقوق نفرات خود نشده و در پرداخت بیمه ی پرسنل نیز تاخیر دارد.

در پیگیری گزارش ویژه از گزارشگر پیام سندیکا، شرکت رامپکو، پیمانکارِ فلوتاسیون دره زار، با وجود اینکه برخی پیمانکاران نظیر جهان پارس در سال جدید، افزایش دستمزد را متناسب با تورم سال جدید انجام داده اند، ولی ظاهراً مخالفت های مدیریتی در شرکت رامپکو، هنوز ادامه دارد و افزایش هماهنگ حقوق همه ی نفرات در حد وعده های مدیریتی باقی مانده است. امید است تا با توجه به شرایط تورم و هزینه های بالای سال جاری که معیشت کارگران را تحت الشعاع قرار داده است، این شرکت نیز نسبت به ارتقاء دستمزد پرسنل خود به صورت یکپارچه، اقدام مقتضی را انجام دهد.

گزارشگر پیام سندیکا- مجتمع مس سرچشمه

مشکلات کارگران پروژه ای

۱- گول حرف های پیمانکاران نابکار را نخوریم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، به گزارش زیر که توسط یکی از کارگران کمپینی فرستاده شده است توجه کنید:

در پروژه خط لوله چابهار روستای پیر سهراب به پیمانکاری محسن و سجاد خدادادی وضعیت برده داری را به کارگران تحمیل کرده اند. در بیابان دور از هرگونه تکنولوژی و امکانات با بنزین لیتری ۷ هزار تومان و سیگاری از همه جا گران تر، فقط دو دکان بقالی است و اجناسش چند برابر قیمت. این شرایط محل پروژه پیمانکار محسن و سجاد خدادادی ادعا می کنند که با شرایط کمپین نیرو می گیرند ولی وقتی رفتید تازه متوجه می شوید که اولاً خیری از ۲۰ روز کار نیست و ۲۵ روزه است. حقوق جوشکار به سختی به ۲۰ میلیون میرسد،

خوابگاه هم اتاق ۱۲ متری ۶ نفره، اتاق بزرگتر ۹ نفر کنار هم خوابیده اند آنهم در این شرایط کرونایی. غذا فقط باید بخوری تا زنده بمانید. صبحانه هر روز پنیر. نهار هر روز مرغ یا استانبولی. کفش و لباس کار نمی دهند. دستکش ها همه کهنه و وصله پینه دار هستند. حتما تشک، پتو، بالش نمی دهند و با خودتان باید ببرید. بدتر از همه وجود انواع حشرات نیش دار داخل اتاقها موقع خواب است. در سفره غذا تعداد چند صد فروند مگس و ملخ و چندین نوع که نمی شناسیم ویراژ می دهند. شبها لشگر قورباغه در خوابگاه رژه می روند و هر جا پا می گذاری قورباغه ها له می شوند.

مینی بوس از کثیفی زیاد کف و روی صندلیها یک وجب خاک خوابیده، سرویس بهداشتی افتضاح، برای ۱۹ نفر یک حمام آنهم احتمالن انباری بوده فقط دوش نصب شده است. کف حمام سیمان با چاله های بزرگ و کوچک متعدد یافت می شود. در روز بیشتر ساعات آب نیست حتما صبح موقع بیداری آب برای شستن دست و صورت قطع است. در هفته فقط ۳ روز موبایل قطعی کامل دارد مخصوصن وقتی برق قطع می شود آدم وحشت کرده و دسترسی به هیچ چیزی نداری.

مهمترین گزینه ندادن پول است، به طوری که اول قول میدهند که نصف حقوق موقع رفتن به شما داده خواهد شد و نصف موقع برگشتن. ولی عملن موقع رفتن ۳ یا ۴ میلیون داده و دیگر کارگر رغبت برگشتن ندارد. چون پول کارگرها را نداده و بجای آنها نیروی جدید آورده و همینطور قضیه ادامه دارد. ما گروه سوم بودیم که اومدیم مرخصی دیگه برنگشتیم. گروه چهارم تازه رفتن سرکار البته تعدادی از آنها برگشتند. از نیروهای گروه اول فقط یک نفر برگشت بقیه برنگشتند. کارگری که با این پیمانکار کار می کند با امید گرفتن ۴ یا حداکثر ۵ میلیون تومان باید برود، چون بیشتر گیریش نخواهد آمد. هنوز حقوق تیرماه نیروها فقط ۷ تا ۸ میلیون داده شده و کامل پرداخت نشده است.

دستان کارگر، با افشای اینگونه ظلم ها و فرستادن گزارش به سندیکا ما را یاری کنید تا دستان پلید این نوع کارفرمایان را از پروژها قطع کنیم. کارگر متحد کارگر

۲- اوضاع اسفناک کارگران در شرکت پتروپالایش ابوالفارس (رامهرمز)

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به اینکه نزدیک به دو سال از آیین کلنگ زنی شرکت پتروپالایش ابوالفارس توسط ریاست مجلس شورای می گذرد، و قرار بود به خانواده هایی که زمین رایگان در اختیار این پروژه گذاشته اند به جای پول فرزندانشان را استخدام کنند. از فردای کلنگ زنی کار تجهیز کارگاه شروع شد و تعدادی از کارگران بومی در این پروژه به صورت روزمزد و با دستمزدهای پایین مشغول کار شدند. در حالی که باید به صورت رسمی در این پروژه استخدام می شدند. *اما اوضاع کارگران پروژه*

۱ - متأسفانه کارگران به علت اختلاف بین مدیران و سرمایه گذار شرکت (آقای حبیبی خراسانی)، بومیان محلی و نماینده مجلس، اداره کار شهرستان و دستشان به جایی بند نبوده و هیچ گونه امنیت شغلی ندارند، هرچند وقت عده ای از کارگران اخراج و کارگران دیگری جایگزین می شوند.

۲ - دستمزد کارگران روزمزد ساختمانی بر اساس عرف منطقه، دستمزد استادکار بنا ۵۰۰ هزار تومان و کارگرساده دویست هزار تومان است اما داخل پروژه به استادکار بنا ۱۹۰ هزار تومان و به کارگرساده ۱۱۰ هزار تومان پرداخت می شود. تا قبل از ورود اداره کار و بازرسان محترم این اداره هیچ گونه بیمه ای پرداخت نمی شد، در حال حاضر فقط بیمه آن دسته از کارگران به سازمان تامین اجتماعی واریز می شود که اداره کار طی یک پروسه کاریابی خاص، به شرکت معرفی شده اند. سرویس ایاب و ذهاب ندارند، کیفیت پخت و توزیع غذا در حد مطلوب نمی باشد. کارگرانی هم که اعتراض کنند بلک لیست خواهند شد. در حال حاضر ۶۰ کارگر در آنجا کار می کنند و ۳۰ کارگر طی این ماه به دلیل اعتراض بلک لیست و اخراج شده اند. پیمانکار شرکت پاپ ریکو و جناب حبیبی مشهدی است.

لذا ما کارگران از سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و بازرسان محترم وزارت کار انتظار داریم تا به صورت جدی به موضوع ورود کرده حق کارگران بومی و خانواده از شما سپاسگزاریم.

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



۱- امروز ۲۵ مهر تعدادی از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی عضو تعاونی مسکن سپیدار ۲ و ۳ در مقابل قوه قضاییه در تهران تجمع کردند. پروژه سپیدار ۲ و ۳ یکی از آن پروژه‌هایی است که برای صاحبخانه شدن رانندگان اتوبوسرانی تعریف شد، اما با گذشت بیش از ۱۰ سال همچنان این پروژه نیمه کاره رها شده است. مدیرعامل وقت با معرفی افرادی به عنوان هیات مؤسس، تعاونی مسکن کارکنان اتوبوسرانی تهران را به ثبت رساند و در اطلاعیه‌ای از کارکنان این شرکت دعوت کرد که برای شرکت در پروژه ساخت مسکن و صاحبخانه شدن به عضویت این تعاونی درآیند. با تأسیس این تعاونی، تعداد زیادی از رانندگان اتوبوسرانی برای عضویت اقدام و مبالغی را پرداخت کردند و به سرمایه‌تجمعی در این تعاونی افزودند. در تمام این سال‌ها و در مسیر رفت و آمد و جابجایی مدیران و مسئولان امر، رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی همچنان در رویای خانه‌دار شدن به سر می‌برند و اطلاع دقیقی وجود ندارد که این پروژه و تحویل واحدهای مسکونی ۶۰ متری که قرار بود حدود ۱۰ سال پیش اتفاق بیفتد و سرنوشت سرمایه این رانندگان چه شده است؟

۲- فشار مضاعف به رانندگان خط پنج بی‌آرتی، با اجرای دوباره طرح خاموش کردن اتوبوس‌ها در پایانه‌ها

در گرمای تابستان لازم است که برای حداقل شرایط رفاهی رانندگان، کولر اتوبوس روشن باشد. اما مدیریت ناکارآمد خط پنج بی‌آرتی بدون آنکه اتاقی در پایانه‌ها برای رانندگان ایجاد کند که سیستم سرمایش مناسب داشته باشد، به رانندگان فشار می‌آورد تا اتوبوس را در پایانه‌ها خاموش کنند و گرمای طاقت فرسای تابستان شرایط نامناسبی را برای رانندگان به وجود آورده است. سندیکای کارگران شرکت واحد نسبت به عدم تامین امکانات رفاهی مناسب برای رانندگان و سخت‌گیری‌ها به رانندگان به مدیریت ناکارآمد شرکت واحد هشدار می‌دهد و اعلام می‌کند در صورت ادامه این روند با اعتراضات مقتضی رانندگان مواجه خواهد بود.

۳- روشن کردن چراغ اتوبوس‌های بخش خصوصی شرکت واحد تهران امروز ۴آبان به نشانه اعتراض.

فساد گسترده و رانت در بخش خصوصی اتوبوسرانی شرکت واحد و بلا تکلیفی رانندگان این بخش در مالکیت اتوبوس‌ها. رانندگان بخش خصوصی سالهاست که به فساد و ظلمی که در بخش خصوصی شرکت واحد در حقشان میشود معترض هستند و بارها در مقابل فرمانداری، استانداری، شهرداری دست به تجمعات اعتراضی زده اند و حتی شکایاتی مبنی بر سواستفاده مدیریت شرکت واحد وقت پیمان سنندجی انجام داده اند و فرمانداری حق را به رانندگان داده است. اما، متاسفانه سنندجی با استفاده از رانت و نفوذ که از طریق رابطه با نهادها بدست آورده است نه تنها تن به اجرای شکایات رانندگان بخش خصوصی نداده اند، بلکه شکایت رانندگان را با توصیه و فشار به کمیته ماده ۱۷ ارجاع

داده که از ۶ عضو آن ۴ عضو از شرکت واحد و زیر مجموعه مدیریتی هستند که در واقع شکایت قاضی را به پیش قاضی بردن است. شرکت های پیمانکاری بوجود آمده از مدیریت وقت شرکت واحد (پیمان سنندجی) بدون پرداخت هیچ هزینه ای بطور غیرقانونی صاحب دو دانگ از اتوبوس های رانندگان شدند در صورتی که نه تنها اینکار کاملاً تخلف و غیر قانونی بوده است بلکه حتی یک ریال هم بابت سهم دو دانگ پرداخت نکرده اند و بدتر از آن بدون اینکه در تمام این سالها هزینه ای بابت استهلاک اتوبوس ها بدهند تمام درآمد رانندگان را هم شریک شده اند. بعلاوه اینکه از منابعی هم که شهرداری در اختیار رانندگان می گذاشته، برداشت می کردند و تا سالها درآمد کارت خوان های اتوبوس ها به حساب مدیریت شرکت واحد واریز می کردند، به بهانه اینکه رانندگان از شهرداری کمک می گیرد. از محل قبض های جریمه سوری که توسط شرکت واحد درست شده است هر ماه از درآمد رانندگان تا سقف یک تا دومیلیون تومان برای شرکت واحد درآمدزایی می کردند که همچنان ادامه دارد. متأسفانه رانندگان بخش خصوصی شرکت واحد علیرغم پرداخت تمام اقساط اتوبوس ها هنوز صاحب و مالک این اتوبوس ها نیستند و عدم رسیدگی و توجه مقامات قوه قضائیه و فرمانداری نسبت به شکایات و اعتراضات این زحمت کشان همچنان مدیریت شرکت واحد و شرکت های پیمانکاری فاسد از منابع این زحمت کشان تغذیه می کنند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ضمن حمایت از خواسته های رانندگان بخش خصوصی اعلام میدارد هزینه های حمل و نقل عمومی بعهده شهرداری و دولت است و تجربه نشان داده که خصوصی سازی و پیمانکارهای خصولتی که از نهادهای حکومتی هستند چیزی جز فساد، اختلاس، تباهی و سو استفاده های رانتی برای اشخاص خاص در بر نداشته و ندارد. آنچه که امروزه ما کارگران برای پایان دادن به فساد و رانت بخش

خصوصی و پیمانکار های خصولتی بایدانجام بدهیم، تمام خواسته ها با اتکا به نیروی و قدرت و اراده ی جمعی خود کارگران و رانندگان مسیر خواهد شد و قطعا با اتحاد و همبستگی بین کارگران حمل و نقل درون شهری و برون شهری، مطالبات و خواسته ها دست یافتنی خواهد شد.

اخبار هفت تپه به نقل از کانال مستقل کارگران

۱- به آقای ناصری مدیریت طرح توسعه

موضوع: برکناری فوری مدیریان فاسد اسدبیگی!

آقای ناصری، مدیریت طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی

این نامه را به شما مینویسم چونکه فتحی مکوندی مدیریت در هفت تپه را نمی شناسد. اگر امور به همین روال باشد اطمینان داشته باشید که به زودی برای خلع مدیریت هفت طرح، تجمعات خواهیم داشت. از شما درخواست می کنیم که سریعا برای برکناری چشمه های فساد و مدیریان ضد کارگر اسدبیگی که منشا تنش، تخریب و ناامیدی هستند اقدام کنید. عبدالنبی مروانی، آصفی، حمید کرد، سید مهدی موسوی (مسئول عملیات روانی اسدبیگی ها که منفورترین فرد در هفت تپه است)، خالد الکثیر (اسبی) در ترابری و جاسم حاتمی (تجهیزات)، عباس حمدانی (کشاورزی)، شکبیا (الکل سازی) و مجتبی مرادی (خوراک دام) سیاه ترین کارنامه را در هفت تپه دارند. این دست افراد که اکنون تعداد کمی هم هستند هنوز در روان و ذهن و امید کارگران هفت تپه ایجاد اثر منفی میکنند. تا اینها باشند کسی باور ندارد که قرار است چیزی تغییر کند. اینها نه تنها نشانه های جدی از سیستم اسدبیگی هستند بلکه به لحاظ شخصیت و توانایی تنها کاری

که بلدند عاصی کردن و خسته کردن کارگران و ایجاد تنش است. نه تنها مدیر نیستند بلکه هر جا باشند منشا تخریب و بی ثباتی و فساد هستند. تا دیر نشده اقدام کنید. اقدام بعدی ما نامه خواهد بود بلکه تجمعات برای بیرون کردن کلیت مدیریت طرح توسعه خواهد بود.

جمعی از کارگران هفت تپه از بخش های مختلف- پنجشنبه - ۲۹ مهر ۱۴۰۰

۲- ادعاهای دروغ درباره حل مشکلات کارگران هفت تپه

برخلاف ادعاهای مقامات مختلف و اعلام اینکه همه چیز در هفت تپه حل شده متأسفانه موارد مهمی از مطالبات کارگران هفت تپه پاسخ داده نشده است. اولاً پرونده خانم زیلابی وکیل کارگران هفت تپه مختومه نشده و دوماً تکلیف مالکیت شرکت معین نشده است و فقط مدیریت شرکت به صورت پیمانکاری به شرکت "طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی" (معروف به هفت طرح) واگذار شده است. سوماً هنوز دو همکار اخراجی ما یعنی اسماعیل بخشی و سالار بیژن پور به کار بازنگشته اند. چهارماً یکی از مهم ترین مطالبات ما یعنی تعیین تکلیف کارگران فصلی هم کماکان باقی است. بخش عمده ای از کارگران فصلی هفت تپه بلا تکلیف هستند. مقامات دولتی و مجلس دایماً میگویند که مشکل هفت تپه برطرف شد و پرونده بسته شد تا صدای اعتراض کارگران شنیده نشود. در واقع چند صد نفر از همکاران فصلی ما در بخش های مختلف مثل تجهیزات، کارخانه، حراست، دفع آفات و غیرنیشگری کماکان بلا تکلیف هستند. با اینکه در اعتصابات چند سال گذشته همیشه حضور داشتند. آقای ناصری مدیر عامل طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی که اکنون شرکت هفت تپه (از طرف مالک

که ایدرو است) به صورت پیمانی به آنها واگذار شده اعلام کرده مشکلات هفت تپه حل شده است. آقای فتحی مکوندی مدیر جدید شرکت هفت تپه که از سوی آقای ناصری تعیین شده هیچ اقدام عملی برای رفع مشکلات همکاران فصلی برنداشته و عملاً این چند صد نفر بلا تکلیف هستند. نمایندگان مجلس و افراد و مقامات مختلفی از حل مشکلات کارگران هفت تپه میگویند اما این موضوع صحت ندارد. امروز هم جمعی از همکاران فصلی و به خصوص همکاران غیرنیشکری، در شرکت تجمع اعتراضی کردند و متأسفانه مدیریت شرکت یعنی آقای فتحی مکوندی هیچ اقدامی برای حل مشکل این همکاران انجام نداده است. این همکاران اعلام کرده اند تا زمانی که مشکلتان برطرف نشود دست از اعتراض قانونی و برحق خود برنخواهند داشت.

جمعی از کارگران هفت تپه از بخش های مختلف-سه شنبه - ۲۷ مهر ۱۴۰۰

برادران کارگر!

کسی چیزی برای از دست دادن ندارد. شما چه بسا نمی‌توانید لباسی را بپوشید که خودتان می‌دوزید. نمی‌توانید کفشی را بپوشید که خودتان می‌دوزید. در خانه‌ای نمی‌توانید زندگی کنید که خودتان ساخته‌اید. آنها دارا می‌شوند و شما همچنان پابره‌نه باقی مانده‌اید. تاکنون برای منفعت دیگران کار کرده‌اید.

هرچه وجود دارد را شما درست کرده‌اید اما نفعی از آن نمی‌برید. عرق جبین و سوی چشم شما تبدیل به ادارات و ساختمان‌هایی می‌شود که افراد داخل آن شما را استثمار می‌کنند. این بهره‌کشی و زجر دیگر کافی‌ست.



جوابیه مازیار گیلانی نژاد نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای به رئیس هیات مدیره شرکت‌های خدماتی پشتیبانی



در تاریخ ۲۰ مهرماه اینلنا جوابیه ای از مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای منتشر کرد که در زیر می خوانیم. کد خبر ۱۱۴۲۵۹۳۱

واگذاری امور فوق تخصصی به افراد فاقد صلاحیت

مازیار گیلانی نژاد (نماینده ۲ هزار کارگر پروژه‌ای) در پاسخ به توضیحات رئیس هیات مدیره شرکت‌های خدماتی پشتیبانی به اینلنا، گفت: «با توجه به اجحاف‌ها و دور زدن قانون توسط شرکت‌های پیمانکار نیروی انسانی و اعتراضات بی‌وقفه‌ی کارگران به این بی‌قانونی‌ها که در بیشتر رسانه‌ها منعکس می‌شوند، این توضیحات، کاربرد تطهیر اجحاف‌ها را دارد. ایشان به مستند قانونی و واگذاری‌ها به ویژه ماده ۱۷ خدمات کشوری که مورد استناد ما هم هست، تاکید می‌کنند و باره کرده‌اند و یادآور شده‌اند که بر مبنای این ماده و همچنین مصوبه‌های هیات وزیران و شورای عالی اداری کشور، واگذاری امور خدماتی پشتیبانی دستگاه‌های اجرایی و دولتی به بخش خصوصی، قانونی است و بر اساس همین قانون به تدریج پست‌های سازمانی امور واگذار شده (خدماتی پشتیبانی) نیز در همه دستگاه‌ها حذف می‌شود. همچنین بر اساس ماده ۴۷ این

قانون، به کارگیری کارمندان شرکتهای و موسسات غیر دولتی برای انجام تمام یا بخشی از وظایف و اختیارات پست‌های سازمانی دستگاه‌های اجرایی، تحت هر عنوان ممنوع است و استفاده از خدمات کارمندان این گونه شرکت‌ها و موسسات صرفاً براساس ماده ۱۷ این قانون (حجمی و...) امکانپذیر است»

وی افزود: «حتی اگر همین قوانین ضد کارگر، معیار داوری ما باشند، پیمانکاران باید در امور واگذار شده (خدماتی پشتیبانی) مشغول باشند و نه در امور تخصصی؛ خدمات یعنی آبدارخانه‌ها، رستوران، سرویس حمل و نقل و...؛ نه در امور فوق تخصصی نفت و گاز! پیمانکارانی که امروز در خطوط اجرای پروژه‌های عظیم نفت و گاز، حضور دارند، دانش لازم برای این کار را ندارند. آیا قانونگذار قید کرده که امور فوق تخصصی را به افراد فاقد صلاحیت، واگذار کنند؟ پیمانکارانی را در تلمبه‌خانه‌ها، می‌شناسیم که در حد دوران ابتدایی مدرک تحصیلی و سواد دارند. آیا این چنین پیمانکارانی که به گفته‌ی آقای نقوی ۲ میلیون کارگر را زیر پوشش دارند، می‌توانند کمکی به انجام رساندن تمام و کمال یک کار تخصصی بکنند؛ یا اینکه کارگران آن‌ها هستند که به سبب برخورداری از تجربه، بار کار را بر دوش می‌کشند؟»

گیلانی نژاد با بیان اینکه رئیس هیات مدیره شرکت‌های خدماتی پشتیبانی گفته‌اند که شرکت‌ها برای داشتن گواهی تعیین صلاحیت و رتبه‌بندی باید مولفه‌هایی را رعایت کنند، گفت: «به آقای نقوی عرض می‌کنم که در دیدار با مسوولین وزارت کار و اداره کل بازرسی وزارت نفت، کلیه تخلفات پیمانکاران در مواردی که شما برشمردید را با سند، ارائه داده‌ایم؛ آن هم نه برای یک شرکت بلکه برای چندین شرکت که تمام این تخلف‌ها را دربر نمی‌گیرد و صرفاً چند نمونه است. حالا من از آقای نقوی می‌پرسم: در کدام بخش از قوانینی که شما به آن‌ها اشاره کردید، شرکت‌های پیمانکاری حق به تعویق انداختن پرداخت دستمزد کارگران، آنهم به مدت چند ماه را دارند؟ در کدام بخش از قوانینی که شما به آن استناد می‌کنید، شرکت پیمانکاری حق دارد نیروی فنی و متخصص خود را در لیست بیمه، «کارگر ساده» عنوان کند؟ در کدام پروژه‌ها، طبقه‌بندی مشاغل توسط شرکت پیمانکاری اجرایی شده است؟ اتفاقاً در همان روزی که توضیحات شما در ایلنا منتشر شد، این خبرگزاری خبری را با عنوان «۲۰۰ کارگر پیمانکاری

در پروژه آزاد راه منجیل به رشت ۳ ماه حقوق نگرفته‌اند» و با کدخبر (۱۱۳۷۳۴۸) منتشر کرد»

نماینده ۲ هزار کارگر پروژه‌ای، افزود: «در کدام بخش از قوانینی که شما به آن‌ها استناد می‌کنید، به پیمانکار اجازه داده شده که در یک کانکس خوابگاهی ۱۲ متری، ۸ نفر را آن هم در شرایط کرونا، جای دهد؟ در کدام بخش از این قوانین می‌توان کارگری را که در دمای ۵۵ درجه کار می‌کند، با پای پیاده و یا با مینی بوس‌های بدون کولر حمل کرد و به این کارگران سیب زمینی پخته، تخم مرغ و یا ماکارونی بی‌کیفیت داد؟ آقای نقوی با انصاف باشید! همین امروز به معدن سون گون، پتروشیمی بندر امام و شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ خلیج فارس، شرکت استیم، اکسیر، پتروپالایش و... بروید و بعد اینگونه از در دفاع از همکارانتان بنویسید!»

دولت سیزدهم تحول ایجاد می‌کند؟

شرایط حاکم بر کارگران پروژه‌ای موجب شد تا آن‌ها تحرک‌های اعتراضی خود را متمرکز کنند و برای چند ماه در پروژه‌های صنعتی دست از کار بکشند؛ این گروه از کارگران که بسیاری از آن‌ها که طعم قرار گرفتن در میان رابطه‌ی دولت و پیمانکار را تجربه کرده‌اند، به ریشه دواندن برون سپاری‌های بی‌نتیجه، اعتراض دارند. باید دید که دولت سیزدهم چه رویه‌ای را در قبال رابطه خود با پیمانکاران در پیش می‌گیرد. رئیس جمهوری شهریور ماه امسال، در بازدید از معدن زغال سنگ طبس عنوان کرد که «نظام پیمانکاری باید کاملاً متحول و به هیچ عنوان نباید حقوق کارگران ضایع شود». وی همچنین در نشست «شورای اداری خراسان جنوبی» که همان روز بازدیدش از معدن طبس، در ۱۹ شهریور برگزار شد، گفت که «علیرغم همه مشکلات مالی اما پرداخت به پیمانکاران به ویژه در حوزه راه‌ها باید در اولویت باشد». حالا باید دید که تحولات مدنظر «ابراهیم رئیسی» در پیوند با تعهد دولت به پرداخت مطالبات پیمانکاران، چه حاصلی را برای کارگران دارد.

گزارش: پیام عابدی

مسئولان ایمنی کارگاه ها چه می کنند؟



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز رضا انصاریان مهندس ناظر در شرکت پارس خودرو در بیمارستان ابن سینای میدان صادقیه بر اثر جراحات وارده پس از سه روز رنج درگذشت. شرکت پارس خودرو ضمن تایید این حادثه در این رابطه به خبرگزاری ایلنا گفته است: این کارگر، پرسنل یکی از بخش‌های تولیدی بوده و مرگ ایشان باعث تأثر بسیار شرکت و مدیران آن شده است؛ ما روزهای بدون حادثه در شرکت بسیار داریم و در این مورد نیز نماینده وزارت کار هم اکنون در شرکت حضور دارد و در حال بررسی علت بروز حادثه است. به گفته شرکت، به محض روشن شدن دلایل، گزارش تکمیلی ارائه خواهد شد. سه روز پیش در شرکت پارس خودرو در اثر سقوط رضا انصاریان در حین کار کردن (سقوط از شیروانی) دچار ضربه مغزی شد و به کما رفت، علی‌رغم عمل جراحی مغز ایشان بهتر نشد و پس از سه روز، دیشب درگذشت. او قراردادی بوده و مسئول ایمنی شرکت کارش را تایید نکرده است. یعنی بدون مجوز بالای شیروانی رفته بود که متأسفانه تخته حائل برگشته و در حین سقوط جمجمه اش به دیوار خورده و ضربه مغزی شده است.

از این مسئول ایمنی باید پرسید چرا منطقه به لحاظ ایمنی تجهیز نشده بود؟ چرا مجوز کار در این نقطه داده شده اس؟ در زمان حادثه شما و دیگر مسئولان ایمنی کجا تشریف داشتید؟؟ ایشان برای خوشگذرانی به این ارتفاع رفته بود؟

متأسفانه هم مسئولان ایمنی و هم مدیریت شرکت قصور خود را نادیده گرفته فرد حادثه دیده را مقصر جلوه می دهند تا از اهمال کاری خود بکاهند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن تسلیم به خانواده این کارگر زحمتکش و همکارانش پیگیر موضوع خواهد بود

آرام به خواب رفیق!



اولین شب آرامش پدram پارسیای کارگر پروژه ای سازه پاد تهران پتروشیمی بوشهر سایت یک در حالی رقم می خورد که همچنان نگران و پیگیر کمپین ۱۰/۲۰ تا آخرین لحظه بود. رفیق جان، تو آرام بخواب که ما پیگیر تلاش هایت هستیم. او امروز ساعت یک بعدازظهر در بیمارستان بهارلوی تهران به خواب ابدی رفت.

پدram پارسیای عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و از تلاشگران کمپین ۱۰/۲۰ در پتروشیمی بوشهر از اولین روزهای این کمپین بود. او ورزشکاری توانا و کارگری با فرهنگ و بسیار زنده دل و شاد بود. متأسفانه بیماری کرونا و سهل انگاری مسوولان این جوان برومند را از خانواده و سندیکایش ربود. او مانند همه کارگران میهنش تنها کار را می شناخت و حتا روزهای مرخصی ش را هم استفاده نمی کرد. او که در دفتر فنی ساپورت سایت یک پتروشیمی بوشهر مشغول به کار بود با توجه به اینکه کارفرما از او خواسته بود تا با حقوق بالاتر به کار برگردد اعلام کرد: «برای حقوق خود اعتصاب نکرده و دغدغه و ایمانش پیروزی کمپین است»، و به کار برنگشت و حقوقش همچنان در گرو کارفرما ماند. او چندین تحلیل از حوادث کار در پروژه های نفت از جمله مطلب «چرا در پروژه ها حادثه رخ می دهد؟» را برایمان نوشت و همچنین ترجمه هایی از مطالب سایت کنفدراسیون جهانی اینداستریال برای سندیکا ترجمه کرده بود. کارگری فعال و ذهنی مبتکر داشت.

بی تردید نبود او برای خانواده و دوستانش و به ویژه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران بسیار سخت و اندوه بار است.

پدram جان با تو پیمان می بندیم که برای بهروزی زحمتکشان آنچه در توان داریم خواهیم کوشید.

به بهانه پیگیری دفاع از حقوق کارگران پروژه ای حوزه انتخابیه رامهرمز و رامشیر

متن زیر در پایگاه خبری شوشان در ۱۲ مهر ۱۴۰۰ با کد خبری ۱۰۷۰۰۲ منتشر شد.

آقای نماینده ؛ کارگران پروژه ای حوزه انتخابیه را دریابید

در ادامه اعتراض و اعتصاب سراسری تیرماه ۱۴۰۰ کارگران شاغل در پروژه‌های وزارت نفت سراسر کشور به موضوع و مشکلات معیشت ، امنیت ، شغلی ، مرخصی(رست) ، بیمه تامین اجتماعی منطبق با شغل خود و ... داشته‌اند. تعدادی از کارگران رامهرمزی شاغل در پروژه‌ها طی نامه‌ای به شماره ۱۰۶۲۲۵۴ تاریخ ۲۰/۴/۱۴۰۰ در قالب طومار با درج امضا و مشخصات فردی به نماینده حوزه ای انتخابیه خود در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون انرژی مجلس نوشته‌اند که ایشان از پذیرفتن و ملاقات حضوری در محل دفتر شهرستان خودداری کرد. کارگران نامه را به آقای مازیار گیلانی‌نژاد نماینده‌ی سندیکایی خود در تهران دادند که ایشان موفق شد نامه را به دفتر روابط عمومی مجلس با شماره یاد شده تحویل دهند. متعاقبا دو نامه دیگر به دفتر نماینده در مجلس به شماره های ۱۰۹۷۱۶ و ۱۰۹۳۴۲۱ مورخه‌ی ۱۷/۱۶/۶/۱۴۰۰ تحویل دفتر نماینده در مجلس دادند و به ثبت رساندند و تقاضای کمک و دادخواهی کردند، پس از آن نامه چهارم را به شماره ۱۱۳۴ در تاریخ ۳۰/۶/۱۴۰۰ به دفتر شهرستان رامهرمز با هدف رسیدگی و پاسخگویی تحویل دادیم که باز تا این تاریخ هیچ خبری از رسیدگی و پاسخگویی نشده است.

جای پرسش دارد و نماینده مردم در مجلس کی و چه زمانی باید جوابگوی بخش عظیمی از شهروندان و خانواده‌های آنها در حوزه انتخابیه‌ی خود باشد؟

ابراهیم شیخی کارگر بازنشسته

آیا توقع و انتظار بی جایی هست؟

اخبار بازنشستگان

۱- بازنشستگان از حق خود کوتاه نخواهند آمد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۴ آبان تعدادی از فعالین بازنشستگان از گیلان، آذربایجان، خراسان، تهران، قزوین از ساعت ۹ تا ۱۰ صبح برای دیدار با رییس سازمان تامین اجتماعی به مقابل این سازمان رفته ولی آقای موسوی رییس سازمان و معاونینش از دیدار با بازنشستگان امتناع کردند. لذا بازنشستگان دیداری با آقای بیات رئیس کانون عالی بازنشستگان تأمین اجتماعی و شادبخش معاونش برگزار کردند. در ساعت ۱۱ جلسه آغاز شد. ابتدای جلسه آقای اصدقی از تبریز در خصوص متناسب سازی سال ۹۹ و بودجه صرف شده برای آن و سرنوشت متناسب سازی سال ۱۴۰۰ و طلب ۸۹ هزار میلیارد تومانی از دولت سوال کرد. پس از ایشان آقای نیک نژاد از گیلان گفت که: «شما خود را در برج عاج زندانی کرده اید و تماس با بازنشستگان ندارید. الان زندگی بازنشستگان به مرز انفجار رسیده است. متولیان متعدد کارگری کجا هستند که ما اینطور بی دفاع هستیم. یا کاری نمی کنید یا شفاف سازی و اطلاع رسانی درست انجام نمی شود.» آقای کریمی از مشهد خواسته های مهم بازنشستگان را از جمله همسان سازی غلط سال گذشته، مبهم ماندن همسان سازی امسال، وضعیت نابسامان درمان بازنشستگان را بیان کرد. بعلاوه گفت: «آقای بیات کم کاری کردید. از لحاظ حقوقی از کشوری و لشکری عقب افتاده ایم» آقای نوروزی بازرس کانون مشهد گفت: «من از هیات مدیره کانون مشهد تقاضا کردم بیلان مالی سال ۹۷ را بدهید من مطالعه و کنترل کنم ولی اینکار را نکردند، من به شما تذکر دادم که رسیدگی کنید اما شما با عدم دخالت خود عملن از خطاکاران حمایت نموده و کار به جایی رسید که با حکم قوه قضاییه کانون مشهد پلمب شده و این عدم کارایی شما را می رساند.»

در ادامه آقای بیات توضیحاتی در خصوص پیگیری های کانون عالی برای متناسب سازی سال ۹۹ به حاضران داد که مورد قبول حاضرین واقع نشد و ایشان جلسه را ترک کردند. توضیحات آقای شادبخش بیشتر فنی و همدلی با

بازنشستگان بود که ظاهر سازی و عدم صداقت در آن دیده می شد. ساعت ۱۵ جلسه بدون نتیجه پایان یافت و بازنشستگان به شهرهای خود مراجعه کردند.

متاسفانه آنچه مشهود است دل بستن به چنین جلسات و نداشتن دستور جلسه و پیگیری های بعدی آن است که این جلسات را به جلسات گله گذاری تبدیل کرده است.

۲- بازنشستگان گیلانی از پای ننشسته اند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در تاریخ ۲۰ مهر یک گردهمایی برای تکریم از بازنشستگان به مناسبت روز سالمند در سالن شهید حق شناس شهرستان خمam توسط کنشگران بازنشسته گیلانی برنامه ریزی شده بود که روسای کانون شهرستان رشت و استان و همچنین رئیس خانه کارگر هم دعوت شده بودند. متاسفانه در آخرین لحظات به دلایل نامعلومی به برگزار کنندگان گفته شد که امکان برگزاری مراسم را ندارند و باید مراسم را تعطیل کنند. کنشگران با یک اقدام سریع محل گردهمایی را با عده محدودی راس ساعت ۳ در یک فضای باز برگزار کردند. اول آقای نیک نژاد یکی از کنشگران بازنشسته منجیل سخنانی بابت تکریم از بازنشستگان و خوشآمد گویی به بازنشستگانی که از چند شهرستان در آنجا گرد هم آمده بودند کردند. سپس بازنشسته محمد پناه درباره مسائل و مطالبات بازنشستگان صحبت کوتاهی ایراد کردند. بازنشسته قاسمی پور درباره عدم برگزاری گردهمایی در سالن شهید حق شناس گزارشی کوتاه داده، پس از آن به نوبت هریک از دوستان درباره مطالبات صنفی و راهکارها و شیوه های رسیدن به مقصود حرف هایی زدند. در مورد آسیب شناسی و فرایند مطالبه گری در ماه های گذشته و کمیت استقبال بازنشستگان در روند مطالبه گری گفتگو شد. به دوستان شرکت کننده پیشنهاد شد که در برنامه های مطالبه گری همیاری بیشتری داشته باشند و از توانایی های خود در جهت اهداف بازنشستگان از جمله در خصوص بیمه های تکمیلی و نقش کانون ها استفاده کنند. در انتها ۲ نامه که یکی حاوی درخواست های مطالبه گران در ۱۲ بند به مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی و نامه دیگر در مورد بیمه های تکمیلی جهت ارسال به کانون استان گیلان به امضا مدعوین که حدود ۶۰ نفر بودند، رسید و گردهمایی خاتمه یافت.

این اولین حضور وسیع بازنشستگان مستقل در گیلان در یک فضای باز بود که اگر طبق برنامه پیش می‌رفت تعداد شرکت کنندگان آن به ۹۰ نفر می‌رسید که متأسفانه به وقوع نپیوست. این گردهمایی بار مثبت زیادی به همراه داشت و بازنشستگان در یک فضای دوستانه یک به یک حرف هایشان را آزادانه بیان کردند.

۳- یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی به وضعیت بد معیشتی و همسان سازی نادرست و بی اعتنایی کانون های بازنشستگی به وضعیت نامناسب بازنشستگان منجر به تجمع در شهرهای تهران، اصفهان، خرم آباد، قزوین، رشت، کرمانشاه، اهواز، تبریز و مشهد که از قبل اعلام شده بود، گردید. در تهران نزدیک به ۱۰۰ بازنشستگان در مقابل مجلس تجمع کرده و آقایان ناصر آعاجری و نورایی و خانم ژاله همسر بازنشسته زندانی اسماعیل گرامی برای جمع صحبت کرده و بازنشستگان دیگری نیز مشکلات خود را بیان کردند. در قزوین ۳۰ بازنشسته در مقابل تامین اجتماعی تجمع کرده ولی کسی برای پاسخگویی نیامد. در رشت با آنکه از چند روز قبل به فعالین اعلام شده بود که تجمع را برگزار نکنند اما بیش از ۸۰ نفر به مقابل تامین اجتماعی آمده و فریاد «همسان سازی کجا بود/ دروغ فریب ریا بود» را سر دادند. همچنین نامه ای به مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی نوشته و امضا گرفته شد: به نام خداوند حق

مدیرعامل محترم سازمان تامین اجتماعی جناب آقای دکتر میرهاشم موسوی

احتراما ما جمعی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی به استحضار می‌رسانیم که در ماه های اخیر با وجود تورم های سنگین و فشارهای بسیار زیادی بر روی ما بازنشستگان آمده طوری که حقوق های ما حداقل بگیر و سایر سطوح حتی کفاف ۱۰ روز معیشت مان را پوشش نمی دهد، آنچه که می‌بایست در دوران مدیریت قبل اتفاق می افتاد و نگاهی ویژه به این قشر آسیب پذیر میشد اتفاق نیفتاد و حاصل آن ناکارآمدی ها این شد که امروز همه شاهد آن هستیم، اگر در افزایش

حقوق ها مبنا و اساس کار اجرای مواد موقوف مانده ای چون ماده ۹۶ و ۱۱۱ قرار می‌گرفت این وضع بحرانی برای این جامعه بازنشسته رخ نمیداد. حال که مدیریت های جدید و انقلابی در همه سطوح از ریاست جمهوری تا سطح وزیران و معاونین و الخصوص در سازمان محترم تامین اجتماعی بوجود آمده، ما جمعی از بازنشستگان استان گیلان از شما می‌خواهیم در همسانسازی ها و افزایش حقوق های جدید بازنشستگان، پایه و مبنا را حقوق حداقل بگیران و مواد ۹۶ و ۱۱۱ قرار دهید. لذا درخواست های ذیل را تقدیم شما می‌نماییم و امیدواریم با اجرای آن نام‌نیک‌تری از شما در دوران مدیریت تان بر ذهن بر ذهن بازنشستگان نقش بندد. ۱- افزایش حقوق ها بر اساس سبب معیشت و مواد ۹۶ و ۱۱۱ ۲- همسانسازی حقوق با ۲۵٪ باقی مانده و تفاوت آن از سال ۹۹ ۳- پرداخت بدهی بابت بودجه ۸۹ هزار میلیارد تومان ۴- الزام به درمان کامل و رایگان تمام ذینفعان سازمان تامین اجتماعی ۵- برگشت بیش از ۱۰۰ قلم دارو به تحت پوشش بیمه ۶- افزایش پرداخت حق بیمه توسط سازمان تامین اجتماعی در قرارداد با بیمه تکمیلی ۷- ایجاد بیمارستان های جدید توسط سازمان تامین اجتماعی در استان گیلان ۸- پرداخت عیدی به بازنشستگان همانند کارگران شاغل به میزان ۲ ماه حقوق ۹- برخورداری بازنشستگان غیر همکار از ماده ۶۹ ویا لغو آن ۱۰- بازگشت ساختار مدیریتی سازمان تامین اجتماعی به ۳ جانبه گرایی ۱۱- عدم برداشت از صندوق سازمان تامین اجتماعی توسط نهاده ها و ارگان‌های دولتی و غیر دولتی ۱۲- واگذاری سرمایه شرکتهای شستا به صاحبان واقعی آن یعنی بازنشستگان و کارگران

۴- نه به خصوصی شدن بانک رفاه کارگران!

در تاریخ ۴ آبان ماه نامه اعتراضی ۲۱۴۶ نفر از شاغلین و بازنشستگان به شماره ۷۳۶۴۲۵۵۴ به دبیرخانه سازمان تامین اجتماعی تحویل گردید. متن نامه به شرح زیر است: ریاست محترم سازمان تامین اجتماعی جناب آقای میرهاشم موسوی

با سلام، اینجانبان ۲۱۴۶ نفر امضا کنندگان این نامه کارگران شاغل بیمه تامین اجتماعی و بازنشستگان و مستمری بگیران این سازمان که صاحبان اصلی

سرمایه های بانک رفاه کارگران طی سالیان تاسیس تاکنون بوده ایم و سرمایه تشکیل آن از حق بیمه های پرداختی پدرانمان و ما تامین شده است، سرمایه آن و خود بانک رفاه کارگران یک اندوخته بین النسلی است. بانک رفاه کارگران اموال دولتی نیست و ما به عنوان بخشی از صاحبان این بانک اعتراض خود را نسبت به خصوصی شدن این بانک اعلام می کنیم و از شما می خواهیم به این عمل غیرقانونی تن ندهید. با سپاس

۵- بی احترامی رییس کانون عالی بی جواب نخواهد ماند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه از یک هفته قبل نامه ای با ۱۰۰ امضا از سوی بازنشستگان تهرانی در خصوص دعوت از آقای بیات برای پاسخگویی به عملکرد خویش به دفتر ایشان و همچنین به آقای دهقان کیا مسوول کانون تهران جهت اطلاع، داده شده بود و حتی آقای دهقان کیا در تماس تلفنی تایید کرد که در روز ۵ آبان ساعت ۹ آقای بیات اطلاع دادند حضور خواهند یافت اما در یک عمل بی ادبانه بدون اطلاع قبلی از حضور در کانون تهران امتناع کردند که این بی احترامی رییس کانون عالی بی جواب نخواهد ماند.

در ۵ آبان ۱۴۰۰ ساعت ۹ صبح طبق قرار قبلی با آقایان بیات (رئیس شورای عالی کانون های بازنشستگان تأمین اجتماعی) و دهقان کیا (رئیس کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران)، ۷ نفر از نمایندگان بازنشستگان مستقل تهران و گیلان در کانون بازنشستگان تهران حضور یافته نه تنها آقای بیات در جلسه حاضر نشد متأسفانه آقای دهقان کیا نیز با نیم ساعت تاخیر در جلسه حضور یافتند. در ابتدای جلسه، نمایندگان مستقل به آقای دهقان کیا تاکید کردند که منظور ما از این دیدار منتقل کردن مسائل بسیار مهم شهرستان ها به آقای بیات بود و با شما رئیس کانون تهران کار خاصی نداریم پس شما اعتراض ما را نسبت به بدقولی نامبرده و مسائل مطروحه را به ایشان منعکس کنید. سپس نمایندگان مستقل از پیگیری ها و عملکرد آقای دهقان کیا راجع به مرحله دوم متناسب سازی سال ۹۹، مشکلات زندگی حداقل بگیران و متناسب سازی سال ۱۴۰۰ سوال کردند. سپس آقای دهقان کیا توضیحاتی در خصوص متناسب سازی ۹۹ و حداقل بگیران دادند که مورد قبول جمع واقع نشد. اما در مورد متناسب سازی

سال ۱۴۰۰ گزارش کردند که: «نمایندگان مجلس رد دیون دولت به سازمان تأمین اجتماعی به مبلغ ۸۹ هزار میلیارد تومان را رد کرده اند که در این خصوص کانون عالی نامه ای برای رئیس قوه مقننه نوشته که باید امروز در کاغذ سربرگ دار تایپ شده و مهر و امضا شود و من باید سریع‌تر بروم»

نمایندگان مستقل گفتند که باید قبلاً اقدام می کردید و شما و بخصوص آقای بیات ناکارآمد هستید و با این ابر تورم و اینکه در ماه هشتم سال هستیم ولی از متناسب سازی خبری نیست. با اینکه مسائل بسیاری بود که باید بررسی می شد، با کمال تأسف با رفتن ایشان عملاً جلسه بدون نتیجه خاصی خاتمه یافت.

این گونه عملکرد کانون تهران و مهمتر از همه کانون عالی نشانگر بی خاصیت بودن افراد حاضر در این تشکل‌ها بوده و بازنشستگان نباید به امید این افراد و نهادها بنشینند. منتخبینی!!! که به اعضای خود پاسخگو نیستند و با بی احترامی با اعضای خود برخورد می کنند به چه کسانی پاسخگو بوده و عملکرد خود را نسبت به چه جایگاهی تنظیم می کنند؟ این سوالی است که باید بازنشستگان از خود بپرسند.

۶- یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، طبق فراخوان داده شده بازنشستگان در شهرهای تبریز، رشت، اهواز، کرمانشاه، مشهد، قزوین، بابل، در مقابل ادارات سازمان تأمین اجتماعی و در تهران تجمع کردند.

در تهران بیش از ۵۰ نفر از بازنشستگان مستقل تهرانی ابتدا روبروی سازمان برنامه حضور یافته و پس از دریافت گزارش کارهای انجام شده ی نمایندگان تهران و شهرستانها طی هفته گذشته که شامل ۲ جلسه با مسئولان کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی و ارایه نامه اعتراض به خصوصی سازی بانک رفاه کارگران با ۲۱۰۰ امضای کارگران و بازنشستگان به سازمان تأمین اجتماعی بود. از آنجا که نمایندگان مجلس رد دیون دولت به سازمان را که قبلاً تصویب شده بود، وتو کرده بودند گردهمایی به جلوی مجلس منتقل شد. پس از

نصب پلاکارد ها و با دادن اولین شعار جهت آزادی کارگر بازنشسته اسماعیل گرامی، سخنران توسط ماموران لباس شخصی در محل تجمع احضار و به او تذکر دادند که شعار سیاسی ندهید. که سخنران گفت: «نمی دانستیم که دفاع از همکار بازنشسته سیاسی می باشد» سخنران را به حضور سرهنگ برده و ایشان اعلام کرد: «ما مطالبه گر هستیم و اصلن در این وضعیت کرونایی راضی به تجمعات نیستیم اما وضعیت زندگی بازنشستگان را مجبور به دفاع از حقوق خود می کند. بدهی دولت اگر پرداخت نگردد بحران اجتماعی درست می شود زیرا در صورت ورشکستگی سازمان، معاش ۴۲ میلیون نفر بازنشسته و خانواده شان به خطر می افتد. خود شما هم بازنشسته آینده هستید» با این حال تجمع ادامه یافت و توسط مأموران از تجمع فیلمبرداری می شد. شعارها: بدهی های دولت پرداخت باید گردد/ همسان سازی دائمی حق مسلم ماست/ نیاز ما این زمان معیشت است و درمان/ تعدیل اقتصادی فلاکت و بیکاری/ تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم/ کار خصوصی سازان غارت خاک ایران/ مجلس انقلابی بگو کجای کاری/ بانک رفاه مال ماست خار چشم اغنیاست/ نظارت بازنشسته بر صندوق بازنشسته/ بیات سازشکار اخراج باید گردد/ عیدی بازنشسته مطابق کارگر/ بیمارستان های ملکی ایجاد باید گردد/ کانون های مستقل خواست مسلم ماست/ کار و زحمت مال ما پول و ثروت اغنیا. در ساعت ۱۱ و ۴۵ دقیقه ختم تجمع اعلام گردید. در قزوین و بابل تجمعات کمتر از انگشتان دست بود.

بیش از ۶۰ نفر از بازنشستگان و مستمری بگیران گیلانی که در مقابل اداره کل تامین اجتماعی گرد آمده و بسیاری از حضار تراکت هایی در دست داشتند شعارهایی چون همسان سازی کجا بود دروغ تزویر ریا بود/ همکار و غیر همکار باید شود برابر/ فقط کف خیابون بدست میاد حقمون/ حقوق ما ریالیه هزینه ها دلاریه / وعده وعید کافیه سفره ما خالیه / تورم گرانی بلای جان مردم، می دادند با حضور نیروی انتظامی و اقدام به فیلمبرداری از شرکت کنندگان، روبرو شدند. برخی از حضار اظهار می کردند که اطلاع رسانی به خوبی و کامل انجام نشده و در صورت اطلاع رسانی بموقع تعداد بسیار بیشتری حضور می یافتند. یک متن اعتراضی برای لغو بیمه تکمیلی امضا و به سازمان تامین اجتماعی تحویل شد تجمع پس از یکساعت و نیم خاتمه یافت. البته دو تن از بازنشستگان گیلانی نیز به دعوت کانون رشت جلسه ای با معاونت مدیرکل

کار، رفاه و امور اجتماعی، ریاست حراست و معاون روابط عمومی آن اداره داشتند. طرح اهم مطالبات در این جلسه یکساعت و نیم طول کشید، محور خواسته ها در دو بخش:

۱- مطالبات سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی: الف) افزایش حقوق و سبب معیشت ما طبق تورم ب) ۲۵ درصد باقیمانده از ۱۰۰ درصد روند اجرای عملی همسان سازی حقوق و اختصاص اعتبار ۸۹ هزار میلیارد تومان مجلس و نیز عودت دیون دولت به سازمان تامین اجتماعی ج) همترازی دریافت عیدی بازنشستگان با شاغلین د) تجدید نظر مناسب و شایسته بازنشستگان در نحوه انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی با شرکت بیمه آتیه سازان حافظ

۲- مطالبات بازنشستگان گیلان از کانون شهرستان رشت و حومه و بمراتب از کانون استان گیلان و کانون عالی: عدم عملکرد صحیح و شرح وظایف قانونی آنان در چارچوب اساسنامه آن کانون.



نابودی سازمان تامین اجتماعی به دستور وزیر جدید کار!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وزیرکار آقای عبدالملکی طی سخنانی که در مجله آتشکار به شماره ۱۲۹۶ به چاپ رسیده است گفته: «شرکت های جدیدی از تامین اجتماعی در راه بررسی شدن هستند»

اینکه بدون اجازه صاحبان این اندوخته ها دست به تاراج این اموال می زنید به کنار، لطف اطلاع رسانی کنید که مجموعه هایی که قبلن بررسی شدند چه گلی به سر بازنشستگان و کارگران زده اند بعد دستور بررسی شدن بقیه اموال را بدهید.

چرا کارخانه های زیان دهی همچون هپکو را که بیش از ۸ ماه است به عنوان بدهی دولت به سازمان داده و اندوخته های بیمه شده ها را می بلعد به بورس روانه نمی کنید؟؟؟

باز قرار است کدام آقازاده را با پول های بادآورده از این بررسی شدن به کانادا روانه کنیم؟

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ایمان دارد:

بهبودی وضعیت طبقه کارگر تنها با دفاع از منافع طبقاتی کارگران و مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی، تشکیل سندیکاهایی مستقل و مبارزه ای متحد علیه برنامه های اقتصادی ضدکارگری، ممکن خواهد بود

برای داشتن تشکیلاتی قوی باید آموزش و مسایل فرهنگی را در صدر کارهای خود قرار بدهیم تا کسانی را که جذب می کنیم بتوانند آگاهانه بمانند.

مردی برای تمام فصول!



مهرماه سومین سالروز جاودانی شدن جانباخته راه آزادی، برابری و دموکراسی دکتر فرشید هکی است. حقوقدان، کنشگر حقوق کودکان کار و خیابان، نویسنده، آزادیخواه، وکیل سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

نوشته زیر را یکی از دوستان دکتر فرشید هکی در سالگرد جان باختن او نگاشته است.

مردی از جنس عمل اجتماعی

“به نو کردن ماه بر بام شدم...”

داسی سرد بر آسمان گذشت

که پرواز کبوتر ممنوع!”

برای #فرشید_هکی، هیچ چیز از جنس نظریه و حرف نبود؛ رفیق مان کمترین نظریه را عملی می فهمید!

استاد دانشگاه، نظریه پرداز حقوق بشر باشی و بشوی از جنس #پیشتان عدالت، یک لیدر، مردی بزرگ!

#هکی پیشتان، #هکی حقوق بشر، #هکی سوسیال دموکراسی آمارتیاسنی و الرزی، رفیق مان را سلاخی کردند!

در ۲۵ مهرماه ۹۷ بود که با دست های از پشت بسته، شرحه شرحه اش کردند، احشاءش هم ترسناک بود این رفیقم و به آتشش کشیدند!

چقدر موقرانه به مدنیت اعتقاد داشت این مرد بزرگ؛ به چپ روی معتدل بود، “مرد نارنجی” عملگرای دوست داشتنی، ظاهرا همیشه بهترها زودتر می روند و ما می مانیم!

کار فیزیکی می کرد آن مرد بزرگ، مشاوره در پروژه ها، مثل “لوکاچ” و کارگران یقه سفید، در تنوری مثل آمارتیاسن، یک نمونه ی بی بدیل انسانی را به آتش کشیدند؛ یکی می گفت که چه سعادت بزرگتر از این که آخرین جمله ی ثبت شده اش، از “مارکس” باشد؛

“زنجیر” ها! ...

یاد و آرمان #هکی، به تاریخ می درخشد؛

فرشید با ماست و ذره ای خاطرش از ذهن مان دور نمی شود!

خونریزان، منتظر تاوان قداست خون رفیق مان بمانند

#ش_ص_زاهدی

تا روز میعاد! یا حق!



حاشیه نشینی یعنی فقر

یعنی خالی شدن روستاها، یعنی بی آبی، یعنی خشکسالی، یعنی اعتیاد، یعنی گسترش انواع ناهنجاری های اجتماعی که اگر در سطح شهرها هست، در حاشیه شهرها بیشتر است. از اعتیاد و ایدز و تن فروشی بگیری و بروید به جلو تا برسید به پر شدن زندانها. حاشیه نشینی یعنی خشم متراکم ملت انقلاب باخته که در انتظار فرصتی برای انفجار است. حالا گزارش وزیر راه و شهرسازی را بخوانید که گفته است ۳۲ درصد جمعیت ایران حاشیه نشین و ۱۹ میلیون ایرانی هم «بد مسکن» هستند. این ۱۹ میلیون یعنی ۵ میلیون خانواده ایرانی که سرپناه دارند، اما نمیتوان آن را مسکن دانست.

در حال حاضر انفجار شهری بوجود آمده و نزدیک به ۳۲ درصد جمعیت شهری در ایران در حاشیه شهرها زندگی میکنند. آمار حاشیه‌نشینی در شهرهای محروم مثل زاهدان در استان سیستان و بلوچستان به ۴۱ درصد میرسد. بیشتر حاشیه نشینان با فاجعه هایی مانند کمآبی، فقر، بیماری و اعتیاد درگیر هستند.



فقر چیزی از مهربونی یک پدر کم نمی‌کنه، فقط در قیمت وسایلی که برای
کودکش تهیه می‌کنه تفاوت وجود داره. همین



درود بر زنان کشورم

گلاره ناظمی، داور ایرانی بازی فینال جام جهانی فوتسال مردان را سوت می‌زند

گلاره ناظمی و ابراهیم مهربانی افشار دو داور ایرانی شامگاه یکشنبه ۳ اکتبر/ ۱۱ مهر فینال جام جهانی فوتسال را سوت خواهند زد. گلاره ناظمی نخستین زن داوری ست که در این سطح قضاوت می‌کند. در مسابقات جام جهانی فوتسال ۲۰۲۱ برای نخستین بار ده زن داور شرکت داشتند و از میان آن‌ها گلاره ناظمی پس از حضور در دیگر بازی‌های حساس این دوره، برای قضاوت در بازی فینال میان آرژانتین و پرتغال انتخاب شده است. او در این بازی داور چهارم خواهد بود. تیم ملی فوتسال ایران پیشتر در مرحله یک‌چهارم نهایی حذف شد.

«معلمان قلب تپنده بازیابی آموزش»

من مادر ماهی سیاه کوچولوهای ایرانم
من و ماهی هایم برکه را دوست نداریم
ما به دریا فکر می کنیم
برکه تنگ است و راهی به دریا ندارد
فکر من و ماهی هایم به دریای
بیکران در این جهان هستی است

به یاد صمد بهرنگی دوست بچه ها در آستانه روز جهانی معلم ؛ دست همه عزیزان همکار را در سراسر جهان می فشارم و با شعار:

آرزوی سلامتی برای همه مردم جهان و تحصیل رایگان روز جهانی معلم، ۵ اکتبر برابر با ۱۳ مهر را گرامی می داریم.

زنده باد همبستگی معلمان جهان

برفراز مشعل آگاهی

برفروز پرچم آزادی

محبوبه فرح زادی / معلم باز نشسته

وقتی قصاب گریه می‌کند!

دوست سالیان جوانیم بود. مدت‌ها ازش خبری نداشتم. دیشب زنگ زد چهره‌ای افسرده و صدایی سخت غمگین. بی‌مقدمه پرسید «آیا گریه قصاب را دیده‌ای؟» «تعجب کردم!» «نه ندیده‌ام». خنده تلخی کرد «من امروز قصاب محل‌مان را دیدم که پشت پیشخوان‌اش اشک می‌ریخت!» می‌پرسم «همان مهتی قصاب سر کوچه‌مان؟» می‌گوید «بله خیلی پریشان بود من هرگز گریه او را ندیدم. ...»

اشک در چشم‌اش حلقه زده بود می‌گفت امروز وقتی مشتری‌ها را راه می‌انداختم متوجه شدم زنی رو گرفته و پیچیده در چادر مرتب از مقابل دکان عبور می‌کند به داخل می‌نگرد و می‌گذرد. وقتی همه مشتری‌ها رفتند به آهستگی و با نوعی خجالت وارد مغازه شد. زن نسبتاً جوانی بود. شناختم شوهرش را چند ماهی است به‌خاطر اعتیاد و کاری که نمی‌دانم چیست زندان کرده‌اند. او مانده با دو بچه‌ی خردسال.

با گریه گفت «آقا مهتی می‌شود این گوشت را از من بخرید؟» از زیر چادرش تکه گوشتی پیچیده در کاغذ را بیرون آورد بر پیشخوان نهاد. گویی برق‌ام گرفته باشد بی‌اختیار پرسیدم چرا؟ گفت: «گوشت نذری است امروز در خانه آوردند خواهش می‌کنم بردارید پول‌اش را به من بدهید تا برای بچه‌ها نان بخرم.» هرگز در تمامی این سال‌ها چنین مستأصل نشده بود نمی‌دانستم چه باید بکنم. گفتم گوشت‌تان را بردارید پول نان چقدر می‌شود؟ دستش را دراز کرد گوشت را برداشت و گفت: «من برای گدایی نیامدم از شما خواستم این گوشت را بخرید! قصد برگشتن کرد!»

گفتم: بدهید داد و گفت بکشیدش! چهار صد گرم بود. حساب کردم و پول را به دستش دادم. گفتم فردا چه می‌کنید؟ نگاه تلخی کرد و گفت «این پول نان یک

هفته می‌شود تا آن وقت هم خدا کریم است. خدا عوض‌تان بدهد. ” برگشت به آرامی از در خارج شد. همان زنی که پیش پای تو بیرون رفت.

من بیرون آمدن آن زن را ندیدم! بیچاره‌گان هرگز دیده نمی‌شوند. می‌پرسد “احمد آقا آیا هرگز چنین روزی را تصور می‌کردی؟” چیزی نمی‌گویم دردمندتر از آن‌ام که سخنی بر زبان بیاورم. هنوز گوشت نذری بر کفهی ترازوست! نمی‌توانم نگاه کنم گویی دو کودک بر ترازو نشسته‌اند. دردی در قلم می‌پیچد. گوشتی نمی‌خرم بغض کرده بیرون می‌آیم. با این سرزمین چه رفته است که قصابان هم گریه می‌کنند!»

آغوش باز کردم

موج بزرگ آمد

و ماهی کوچک خیال من باز نیامد!

چگونه تسخیر کرده ای

دریا

و امواج سهمگینش را ... ???



خانم از پیرمرد دستفروش پرسد: این دستمال ها دونه ای چنده؟

فروشنده پاسخ داد: هر کدام دو هزار تومن خانم.

خانم گفت: من شش تا برمی دارم و ده هزار تومن می دم یا نمی خرم و میرم.

فروشنده پاسخ داد: اشکالی نداره خانم. با این که سودی برام نداره ولی این می تونه شروع خوبی برای من باشه چون امروز حتی یه دونه دستمال هم نفروخته ام و برای زنده ماندن به پول این ها نیاز دارم.

خانم، دستمال ها رو را با قیمت دلخواه خودش خرید، با احساس برنده شدن، سوار ماشین شیک خود شد و با دوستش به رستورانی شیک رفت.

او و دوستش آن چه را که می خواستند سفارش دادند. آنها فقط کمی از غذای خود را خوردند و مقدار زیادی از آن را باقی گذاشتند و صورتحساب را که

۳۵۰ هزار تومان بود ۴۰۰ هزار تومان حساب می‌کنند و به صاحب رستوران شیک می‌گویند که بقیه اش را به عنوان انعام نگه دارد!

این داستان ممکن است برای صاحب رستوران شیک، کاملاً عادی به نظر برسد، اما برای پیرمرد فروشنده بسیار ناعادلانه است.

سؤالی که مطرح می‌شود این است: *چرا همیشه هنگام خرید از نیازمندان، باید نشان* *دهیم که قدرت داریم و چرا ما نسبت به کسانی که حتی نیازی به سخاوت ما ندارند، سخاوتمند* *هستیم؟!*

یک بار مطلبی را در جایی خواندم که می‌گفت: پدرم از افراد فقیر، با قیمت بالا، اجناس می‌خرید، هرچند به وسایل احتیاج نداشت. گاهی اوقات هزینه‌ی بیشتری نیز به آن‌ها پرداخت می‌کرد. پسر شگفت زده از پدرش می‌پرسد:

"* چرا این کار را می‌کنی بابا؟*"

پدر پاسخ می‌دهد: "*این خیریه‌ی ای است که در عزت پیچیده شده است، پسر جان.*"

"داد" در شاهنامه، به منزله‌ی شیشه‌ی عمر قوم ایرانی‌ست؛ اگر شکست برداشت، زوال این قوم فرا رسیده است.

ممکن است ظلم و تباهی بر کشور حاکم گردد [مانند دوره‌ی ضحاک] ولی این مهم نیست، از نو کشور کمر راست خواهد کرد؛ سر "داد" سلامت باشد که اگر نیم جانی داشت سرانجام همه چیز به حال عادی بازخواهد گشت.

"داد" اندیشه و اعتقادی است در دل مردم ایران که نباید گذاشت فرو میرد.

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

خرمن گاه عشق

تاریکم مثل آسمان شب

تاریکم مثل تخته سیاه

و دلی دارم که درشب نیز سفید سفید است.

بال های من

بال های سفید من

خرمنگاه عشق را

در فراسوها نمی جوید.

نگاهم رها میشود

در هرگام در هرنام

در نگاه حیرت زده ای

تا خودرا باز یابد.

پرچین و پرنده زیباست

اما چکنم که دل شور تودارد

شوربختی خویش را

در الفبای پیاده رو ها می جوید.

محبوب من

من وتو و کارگران بازنشسته

آبستن قهقه ی آفتاب بهار جنوبیم . کارگر بازنشسته (اکبر خوش خرام)



این کودک بلوچ که وسیله ای برای درست کردن کاردستی نداشت و خارهای بیابون رو توی دستش فرو کرد و به عنوان کاردستی به مدرسه برد!!!

اعتقادات را برای خودت نگهدار
و انسانیت را به تمام دنیا نشان بده...

ویلیام شکسپیر



گور خوابی، چاله خوابی، نهر خوابی، پُل خوابی، ماشین خوابی و اکنون «سُرسُره خوابی»!

روزنامه «آفتاب یزد» در گزارش روز دوشنبه ۱۰ آبان‌ماه از افزایش شمار بی‌خانمان‌ها و کارتن‌خواب‌ها در پایتخت خبر داده که به تعبیر نویسنده از زیر پوست شهر به «تمام پوست کلاشنه‌هایی مانند تهران» آمده‌اند و شهروندان در فعالیت‌های روزانه‌ی خود به فراوانی با این افراد مواجه می‌شوند. اکنون در حالی که هوا رو به سردی می‌گذارد، نگرانی‌ها برای سازماندهی و تهیه سرپناه موقت برای بی‌خانمان‌ها با افزایش چشمگیر آنها بیشتر شده است. در این گزارش «آفتاب یزد» در توصیف وضعیت شهر تهران آمده است: «آنقدر فقر در جامعه زیاد شده است که راهی برای پنهان کردن آن وجود ندارد و این موضوع خود را به صورت عیان در پوشش‌های مختلف نشان می‌دهد».

گور خوابی، چاله خوابی، نهر خوابی، پُل خوابی و ماشین خوابی از پدیده‌هایی است که با افزایش فقر و مشکلات اقتصادی در ایران بروز پیدا کرده و ابعاد گسترده‌تر و عجیب و غریب نیز به خود می‌گیرد. به تازگی در شبکه‌های اجتماعی کاربران از مشاهده‌ی سُرسُره‌خوابی نوشته‌اند که در زمین‌بازی کودکان بی‌خانمان‌ها در خرطوم سُرسُره، که سقف دارد، می‌خوابند.

سعید معدنی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، «کاهش قدرت خرید مردم، گرانی، بیکاری و رها شدن جامعه به حال خود» را دلیل افزایش شمار کارتن‌خواب‌ها و بی‌خانمان‌ها عنوان کرده است.

این جامعه‌شناس توضیح داد: «در حقیقت نوعی تحقیر عمومی در حال شکل گرفتن است. گاهی اوقات من آگهی‌های استخدامی می‌بینیم که وعده از حقوق‌تأمین اجتماعی می‌دهند و آن را مزیت محسوب می‌کنند. در صورتی که این حق فرد است که حداقل حقوقی را دریافت کند.»

بیاموزیم!

«یکی اومد پیش آقای بندلر گفت : سلام من افسرده‌ام

بندلر هم گفت : سلام من ریچاردم ؛

گفت: نه ، منظورم اینه که من افسرده ام،

گفت خوب منم ریچاردم ؛

گفت : نه یعنی منظورم این است که من دچار بیماری افسردگی شده‌ام ؛

گفت : آها حالا فرق میکنه، الان من می پرسم: از کی افسرده شدی؟ افسردگی

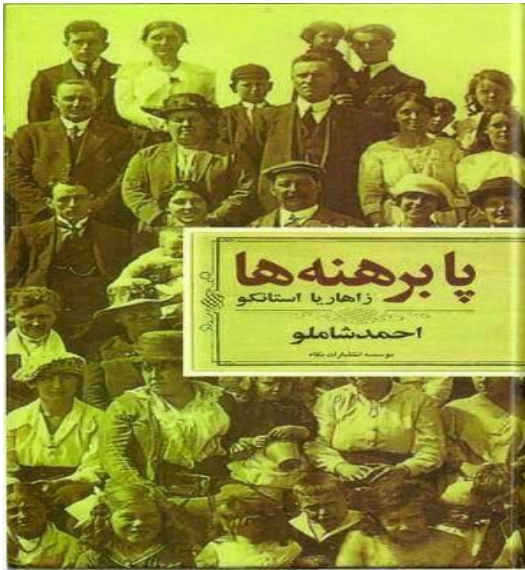
از نظر تو یعنی چی؟ افسردگی در مقایسه با چه کسی؟»

باید دقت کنیم چه اسمی روی خودمان می گذاریم. چون اگر ما افسرده نباشیم و اسم افسردگی را روی خودمان بگذاریم باعث می شود خودمان را در چاله‌ای بیاندازیم که اصلاً قبلاً در آن نبودیم و خیلی از کارهایی که می توانستیم برای خودمان بکنیم را به خاطر اینکه افسرده هستیم نکنیم .

مثلا کسی که روی خودش اسم افسردگی می‌گذارد وقتی پزشک ظاهر او را می بیند، مشاهده می‌کند که او چقدر سبت کردن لباسش، زیبا کردن صورتش، مرتب بودنش ، انرژی داشتنش با افسردگی مطابقت یا مغایرت دارد.

ریچارد بندلر (richard bandler) یکی از بنیانگذاران برنامه ریزی عصبی کلامی NLP است.

معرفی کتاب



نام کتاب: پا برهنه‌ها نویسنده: زاهاریا استانکو برگردان: احمدشاملو

پا برهنه‌ها [Descult] رمانی از زاهاریا استانکو (۱۹۷۴-۱۹۲۰)، نویسنده رومانیایی، که در ۱۹۴۸ منتشر گردید و در ۱۹۶۰ به صورت رمانی سه گانه بسط داده شد. واقعه، پیش از قیام مردمی و بزرگ ۱۹۰۷، در روستایی در اولتینین رخ می‌دهد. داریه، جوانکی کشاورز، داستان زندگی والدین و پدر بزرگ و مادر بزرگش را از زبان عمه خود می‌شنود: مادرش در پانزده سالگی ازدواج می‌کند. پس از دو سال، بیوه‌ای فقیر شده و مجبور می‌شود با دو فرزند خود نزد والدینش برگردد که با اکراه او را دوباره می‌پذیرند. تازه وقتی با مرد زن مرده‌ای که دو بچه دارد ازدواج می‌کند، سرنوشتش قابل تحمل‌تر می‌شود. هر چند خویشاوندان همسر دوم، در آغاز، با خشونت و خصومت با او رفتار می‌کنند ولی بالاخره وی به یمن رفتار جدی و قاطعانه‌اش برای خود جایگاه مناسبی ایجاد

میکند. داریه کوچولو هر روز شاهد خشونت کشاورزانی است که زود دست به چاقو می‌برند و با زنان کارگر و کودکانشان بدرفتاری می‌کنند. اغفال دختران، زنا و تجاوزهای جنسی از چشم کودکان پنهان نمی‌ماند. قحطی، که به دنبال تابستان خشک و بی باران ۱۹۰۶ سر می‌رسد، خشم کشاورزان فقیر را به حد اعلا می‌رساند، زیرا نجیبزادگان راضی نمی‌شوند حتی به اندازه نانشان به آنها گندم قرض دهند. نجیب زاده‌ای سگ‌ها را به جان آنها می‌اندازد. خدمه آنها به یکی از متقاضیان تیراندازی می‌کند. کشاورزانی که پی کار خود می‌روند به دست ژاندارمها بازداشت و بی‌رحمانه شکنجه می‌شوند. نهایتاً وقتی در سالن اجتماعات محل، یکی از ژاندارمها سه دهقان پای در بند کاملاً بی‌دفاع را، که پس از شکنجه‌های وحشتناک دیگر به سختی می‌توانند روی پاهایشان بایستند، کتک می‌زند، کشاورزان مرعوب زورگویی و خشونت آنها نمی‌شوند و: جمعیت خشمگین ژاندارم را می‌کشد. رمان با این ماجرا به پایان می‌رسد که کشاورزان زندانی را وسط زمستان به شهر مجاور منتقل می‌کنند. نویسنده سرنوشت داریه جوان را همچنان در رمان‌های متعدد دیگر پیگیری می‌کند.

استانکو زندگی سخت و فقیرانه کشاورزان، تجربیات شخصی دوره جوانی و حوادث سیاسی را، با سرمشق گرفتن از شولوخوف، از دیدگاه واقع‌گرایی سوسیالیستی توصیف می‌کند و خشونت روستاییان را به عنوان پی‌آمد فقر و ظلم نجیبزادگان شرح می‌دهد. نویسنده در توصیف مرسوم جامعه غرق نمی‌شود؛ اعتیاد به الکل و انحطاط اخلاقی، که در بین اهالی روستا همچنان در حال گسترش است، با واقع‌گرایی خشنی ترسیم می‌شود. استانکو شرح جزئیات مفصل را، به کمک گفتگوها، دلپذیر کرده و، از طریق رجوع به گذشته و بررسی مجدد مسائل، کشش و جاذبه داستان را تقویت کرده است. بازگویی موفق‌آمیز او از طرز تفکر و طرز بیان خاص کشاورزان ارزش این اثر را بالا می‌برد؛ اثری که، فارغ از زمان تألیف خود و ارتباطات اجتماعی مؤلف، باید مورد قضاوت قرار گیرد. معرفی کتاب از طرف وارتان

ادبیات و رام کردن توفان ابتدال

سوزان سانتاگ زمانی در سخنرانی خود با عنوان «وجدان کلمات» نوشت:

«اگر ادبیات را دوست دارم برای آن است که ادبیات امتداد همدردی من با ضمیرهای دیگر، قلمروهای دیگر، آرزوهای دیگر، کلمات دیگر است. ادبیات عین خودآگاهی است، تردید است و ندای وجدان. باریک بینی و نکته سنجی است. ادبیات علاوه بر این ها آواز است، بداهه است، جشن است، برکت است.»

ادبیات انباشتگی است، تجسم صورت آرمانی تکثر، چندگانگی و آمیختگی است. ذهنی را تصور کنید که میزبان اندیشه های تولستوی، گورکی، داستایوفسکی، شولوخوف، مایاکوفسکی، چخوف، زامیائین، سیرین، گنچارف، گوگول، پاسترناک و آخمتاوا و صدها نویسنده دیگر باشد. درون او به تعبیر «بارت» به یک میدان شهر پرصدا تبدیل می شود. ادبیات تکثیر صداهای متفاوت و متناقض در فضای ذهنی ماست و کسی که بتواند تناقضات را در خود تاب بیاورد قطعاً ناسازگاری ها و تعارضات بیرون را هم تاب خواهد آورد. ادبیات عبارتست از ناهمگونی و تفاوت و آمیزش همه آنها و درنهایت تعلیق قضاوت در آدمی. آنکه عمیقن ادبیات خوانده باشد از قضاوت می پرهیزد. و تعلیق قضاوت سرآغازی است برای انسان شدن و انسان ماندن.

حکایت ماندگار جبران خلیل جبران درباره دو زن فاحشه و مومن خود گویای ذهنی ادبی است. می گوید: «بر درگاه پنجره نشسته بودم دیدم زنی فاحشه از این ور خیابان و زنی مومن و پاکدامن از آن سوی خیابان می آیند گفتم خدایا این زن مومن چقدر نجیب است و آن زن روسپی چقدر نانجیب. صدایی در سرم پیچید که فرزندم آن زن مومن مرا دردعاهای خویش می جوید و آن زن روسپی در دردهای خویش، هردو بنده مند» ادبیات همین است، تعلیق قضاوت به حکم وجدان. ادبیات تجسم بخشیدن به خرد است و مبارزه پیگیرش با عقل. ادبیات با

رضایت سرکار دارد و نه حساب و کتاب. خرد ادبیات آنتی تز داشتن عقیده است و حمایت است از ژرف اندیشی.

کار ادبیات غنابخشی به روح و انهدام حقیقت یکپارچه است و متلاشی کردن آن. ادبیات نه در پی حقیقت که در پی حقایق است تا با چیدن آنها درکنار هم ذهن را به موزاییکی از مفاهیم بدل کند. ادبیات کوششی است جانفرسا برای رهاندن ذهن و جان از تارهای دگماتیسم. پرهیختن است از پیشداوری و تعلیق داوری است، چرا که در ادبیات راستین نه یک انسان که انسانها بر روی زمین زندگی می کنند و نه فقط یک دین که ادیان و نه فقط یک زبان که هزاران زبان از هستی سخن می گویند. یک ذهن ادبی ذهنی است باز و نه الزاماً پر. ذهنی است جسته از غلظت جزم گرایی، رهیده از بار پیشداوری و گریخته از چنگال منیت.

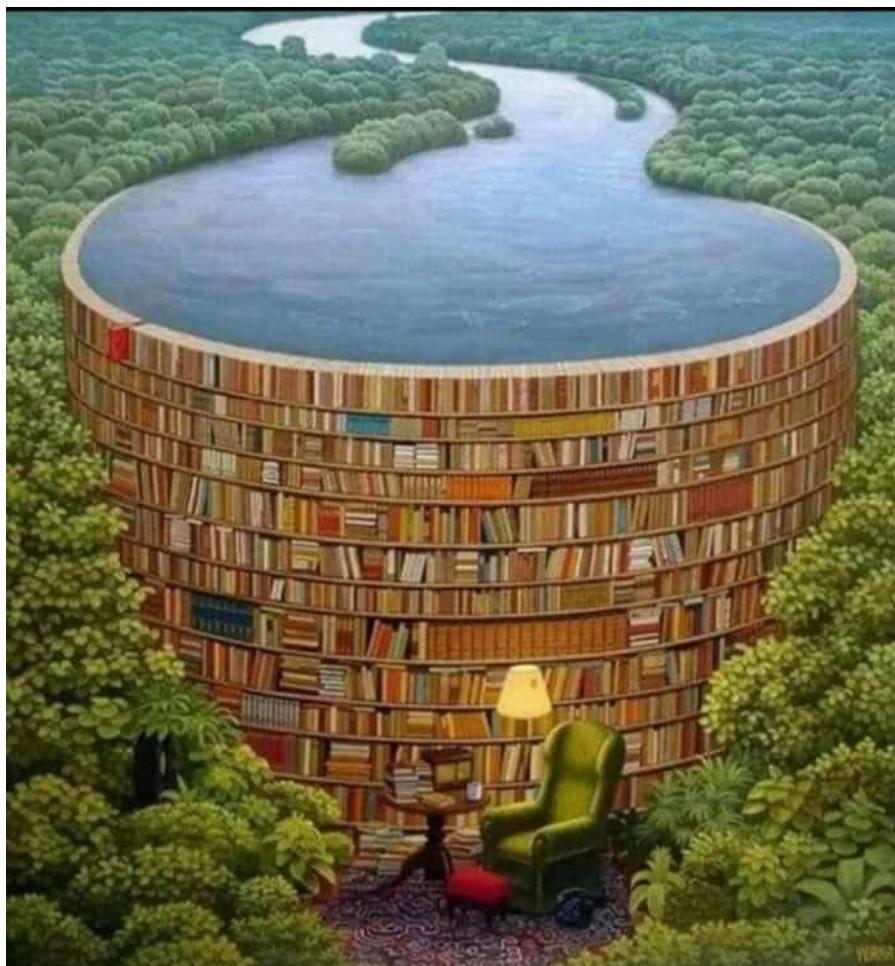
ادبیات هماغوشی باد است با عطر رز. دفاع از زندگی های نزیسته است و به چالش طلبیدن فراموشی هستی و البته به تعبیر زیبای «آندره بلی» ادبیات امکانی است برای رهایی روح. ادبیات به قول «بلوک» ورد مقدس است برای رام کردن هیولایی به نام زندگی و یا بهتر برای رام کردن توفان ابتذال.

کشاورزی جایزه مرغوب ترین ذرت را گرفت.

متوجه شدند که او از بذرهای مرغوب ذرت، به همسایه هایش هم داده بود.

علت را از کشاورز پرسیدند، گفت: باد، بذرهای ذرت را به مزرعه های دیگر منتقل میکند. اگر همسایه های من ذرتهای خوبی نداشته باشند، باد آن بذرهای نامرغوب را به زمین من می آورد.

اگر بخواهیم زندگی شاد، سرخوش و آرامی داشته باشیم، باید به دیگران کمک کنیم تا آنها هم خوب زندگی کنند...



■ "سیلاب" جهل و نادانی و
 تعصب و کج‌فهمی را فقط و
 فقط "سیل‌بند" علم و
 اندیشه و آگاهی و روشن‌بینی
 مهار می‌کند.